PROPERTY OF ACKU

اراده

د افغان نشراتی مرکز خپرونه

فرمان الله ﷻ

بخوان وپروردگار تو بزرگوارتر است آنکه علم آموخت به وسیله قلم.

(العلق - آیات ۳-۴)

ارشاد نبوی (ﷺ)

آموختن علم بر هر مرد وزن مسلمان فرض است.

(رواه مسلم)

سال دوم شمارۀ پنجم مسلسل ۲۹ جمعه ۱٦ قوس ۱۳۸۰ هـ ش ۲۲ رمضان المبارک ۱٤۲۲ هـ ق 7 دسمبر 2001 میلادی

افغانها درپای توافقاتی امضا گذاشتند

شاغلی حامد کرزی درراس اداره سی عضوی قرار گرفت

دو جناح قوی شامل درجبهه متحد از اشتراک در اداره جدید معذرت خواستند.

بن: ۵ دسمبر: چارگروه افغان پس از نه روز مذاکرات طولانی ودشوار، طی کنفرانسی که به ابتکار سازمان ملل متحد بخاطر تفاهم افغانها روی حاکمیتی که بتواند جاگزین طالبان درافغانستان شده وصلح دایمی را درانکشور تأمین کند درشهربن کشور المان راه اندازی شده بودبه یک موافقتنامه تاریخی روی تشکیل اداره ۳۰ عضوی مؤقت تحت ریاست شاغلی حامد کرزی برای شش ماه وروند سیاسی که به اساس آن زمینه برای تدویر لویه جرگه اضطراری، تشکیل حکومت عبوری دوساله ،ترتیب قانونی اساسی افغانستان وراه اندازی انتخابات دست یافتند.

درمراسم تصویب وامضا گذاری موافقتنامه که طی ان اجلاس افغانها خواهان

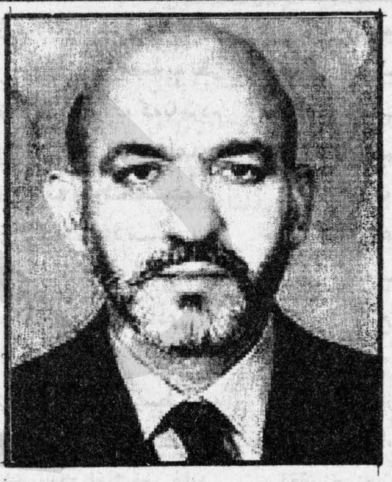

شاغلی حامد کرزی

برروسی واعزام نیروهای نظامی سازمان ملل متحد بخاطر تا مین امنیت درکابل وسایر مناطق افغانستان توسط شورای امنیت آن سازمان گردید آقایان گرهالد شولدر صدراعظم المان، اوشکافیشر وزیر خارجه آنکشور، اخضرابراهیمی وفرانسس وندرل نماینده گان خاص سرمنشی سازمان ملل متحد حضور بهم رسانیده بودند ودرپای موافقت نامه به عنوان شاهد امضا گذاشتند.

خبرمی افزاید درمراسم عقد موافقتنامه شاغلی یونس قانونی رئیس هیأت نماینده جبهه متحد ضمن اظهارسپاس از سازمان ملل، مقامات کشور المان وسایر کشور هاییکه درراه اندازی این کنفرانس و موفقیت آن نقش داشته

«ص٦»

استاد محمدزمان مزمل :

شمال اتحاد تیرو ترخو تجربو قدرت له انحصاره تیر کړ

دبن غونډه که دامریکا له پوځی حملو دمخه شوی وای دافتخار وړ به وه

ددی غونډی برخه وال دخپلو جرګو ممثل نه دی

ښاغلی استادمحمد زمان مزمل له میا اروال سره په مرکه کی

دمرکی پوره متن په شپږم مخ کی ولولی

دمرکی پوره متن په شپږم مخکی ولولی

عساکر روسیه بعد از یک دهه باز به افغانستان برمیگردند

کابل: قوای نظامی روسیه بعد ازسپری شدن(۱۲) سال روز دوشنبه هفتهٔ اخیر ماه نومبرسال جاری مسیحی ، هنگام شام با کاروانی از (۱۳) وسیله حمل ونقل واردکوچه های پایتخت افغانستان گردید.

ماسکو بروزدوشنبه اعلان کرد که روسیه درصدد آنست تا سه پروانه طیارهٔ کارگو بالوازم ضروری دیگر به افغانستان بفرستد ومی خواهد سفارتخانهٔ خود را درکابل دوباره بگشاید تادر تهیهٔ کمک های بشری بپردازد.

«ص۷»

یک سرباز امریکایی حین اجرای تمرینات ورزشی با بوری ٦۰ پونده ریگ درجنوب افغانستان

یکی ازمامورین دورهٔ طالبان

بحیث رئیس بلدیه شهرهرات انتخاب شد

هرات :یکی از دپلومات ها ومأمورین رسمی رژیم طالبان اخیراً درهرات به حیث رئیس بلدیه انتخاب گردید این انتخابات کمتر از یک ماه بعدازسقوط طالبان وخروج شان ازان شهرصورت گرفت.

این انتخابات را باید بعدازدوره محمد ظاهرشاه که در سال ۱۹۷۳ درائر کودتائی خلع گزدید، اولین انتخاب محسوب وآنرا نشانه ای از بازگشت نظم وترتیب دراین ناحیهٔ افغانستان جنگزده درحالی محسوب داریم که تعدادی از افغانان درآلمان دورهم جمع شده اند تا مسایل بسیار پیچیده ومغلق سیاسی راسرصورتی بدهند.

«ص۷»

محکمتر که بازخواستگرندارد!

عکس: کتک کاری یک مهاجرافغان درکمپي واقع درمنطقهٔ چمن درنزدیکی مرزافغانستان باپاکستان

باتشکر ازدي نیوز

دننګرهار دسترو قومونو په غونډه کی:

مورږ دلویی جرګی دجوړیدو اوعملی کیدو پلویان یو

جلال آباد - اراده: دننګرهار دشینوارو، خوږیانیو اومومندو سترو قومونو په خپلی یوی غونډی کی دهیواد اوسیمی په حالاتو دغور په ترڅ کی دهیواد داسلامی هویت دساتلو ترڅنګ د بن دغونډی دپریکړو ملاتړ وکړ.

دارادی خبریال له جلال اباد نه لیکی چی دخوږیانیو دقام مشر حاجی ملک نظیر مورږ ته وویل: ددغو قومونوعلماوو، مشرانو او قوماندانانو د مارکوه په سیمه کی غونډه وکړه. دوی ټینګار وکړ چی په افغانستان کی اسلامی حکومت، غواړی، دبن په غونډه کی به دافغانانو دپریکړو ملاتړ کوی اوپه دغه لړ کی د خپلو حقوقو دتأ مین غوښتنه لری.

«ص۷»

گزارش مختصروچشمدیدی از شهرکابل

«قسمت آخر، ن ٤»

درجاده های این گذرگاه عبورومرور فقیرترین مردم شهربه سواری بس های شهری وتردد باسیکل سواران وکراچی های دستی انتقالاتی وقسماً هم باپای پیاده به سوی مرکزشهرکابل، که مارکیت های مهم تجارتی ودفاتر رسمی درآنجا تمرکز یافته ،بصورت پی درپی ادامه دارد.

از دامنه های کوه شیردروازه به سمت چپ گردنهٔ گذرگاه کابل وارد مناطق چهلستون، ده دانا ، دارالامان ، کارته سه وکوته سنگی شده ودوباره ازمسیر آبده یاد گاری دهمزنگ وجادهٔ آسمایی به نواحی مرکزی شهر کهنه کابل برمیگردیم.

«ص۷»

درد امنه های کوه شیردروازه وآسمایی شفاخانهٔ صدری ابن سینا وفابریکه نیمه مخروبه حربی وتخت توپ، وجود دارد که زمانی شروع و ختم اوقات دفاتر رسمی را توسط منازه طوله مانند ووقت ظهر رابافیر توپ برشهریان کابل اعلام میداشت.

طوریکه معلوم می شود منازل مسکونی درد امنه های این دوکوه نیزاز گزند خانه جنگی های ظالمانهٔ سالهای متذکره ، درامان نمانده وآثار تخریب، بمباردمان های هوایی ، فیرتوپها وراکت ها وسلاحهای خفیفه بردرودیوار محلات مسکونی مردم بمشاهده می رسد.

دروازه های پوهنتون کابل بعد از سقوط حاکمیت طالبان به روی دختران این شهرگشوده شد

الحاج سید فضل الله وحیدی:

مور غواړو چی هیواد وال مردبیا رغونی کارته چمتو وی

پېښور ،ددسمبر۲مه: «په سوله اودهیواد په بیا رغونه کی دافغانانو ونډه» ترسرلیک لاندی دافغان غیر دولتی مؤسسو دپیوستون داداری دوه ورځنی سیمینار دیوه پریکړه لیک په صادرولو سره پای ته ورسید.

دافغانی غیر دولتی مؤسسو دپیوستون داداری مشر الحاج

(ص٦)

اراده

دتاسیس کال: ۱۳۷۹ هـ ش
او نیزه خپلواکه تحلیلی خپرونه
دامتیاز خاوند: افغان انشراتی مرکز
مؤسس: سید داؤد
مسوول مدیر: عتیق الله پژواک
معاون: میاگل آروال
سکرترمسوول ظهور «افغان»
پست بکس «۹۰۹» یو نیورستی ټاون، پیښور
تیلفون: (٤١٦٩١)، فکس: ٨٤١٧٨٥
E-maul: amrc@brain.nc.pk

بنام خداوندبخشاینده ومهربان

سرمقاله

تماشاکن ودم مزن ،معرکه برهم مزن ورودبی سروصدای عساکرروس به شهر کابل

هنگامیکه تحریک طالبان تاچند هفته قبل وپیش ازحملات هوائی گستردهٔ امریکا برافغانستان حکم می راندند ودرموارد بسیار روتین مذهبی ازقبیل کوتاهی ریش ودرازی زلف وموی سر، منحیث یکی از سنن مذهبی به دادن فتوی وصدور فرمان می پرداخته واز شدت عمل کار می گرفتند، بعضی ها بصورت هزل یا جد این ضرب المثل پشتورا بزبان می راندند: «ږیره زما، واک ئی دملا».

اما اینکه امروز عساکر امریکا وانگلیس وازطرف دیگر عساکر روس هم داخل خاک ماشدند نه ما ونه کسان دیگری که خود را حاکم اصلی سرزمین ما می دانند وبرای تصاحب این مقام توام باقدرت ویاربودن این کلاه ودستار، سرگرم آرایش وپیرایش هستند، هیچ یک اقلاً برای یک بار هم نگفتند که: «خاوره زما، واک ئی ....» ویا این (لندی) پښتورا زمزمه نه نمودند که:

چېرې لنـــدن چېرې چـــترال
بې ننګي زور شوه، پرنګيان چترال ته ځينه

اکثر مورخین ازاین مقولهٔ تاریخی، پشتیبانی می کنند که: «تاریخ تکرار میشود.» و ما اینک آنرا بصورت خاموشانه، مایوسانه ویالاخره بیباکانه، ازورای عینک بی تفاوتی مطلق ومقام حیرت به چشم سرمی بینیم که عساکر انگلیس برای بارچهارم وعسکرروس برای بار دوم وعساکرامریکا استثناً برای باراول، بدون سر وصدا به کشور ما پیاده می شوند ونه تنها که ومه وحاکمان ومحکومان ما همه، چنان مهر سکوت برلب زده وزبان از سخن بربسته ایم که توگوئی خاک مرد گان برما پاشیده اند، بلکه آنها را پذیرا شده ویا بدرقه به منزل مقصود می رسانیم وبرای خدمت وحفاظت ایشان به بی تفاوتی کمر می بندیم.

این آمد امد هوائی عساکر بیگانه،روزها وروزگارانی رابیاد می آورد که همین روس ها قوای زمینی خود را باسازوبرگ ثقیل آن، ازراه زمین وقسمتی ازان را ازراه هوا، توسط طیارات غول پیکر خود بدون هیچ گونه دغدغهٔ خاطر درمیدان هوائی کابل وبگرام که خود آنرا قبلاً ساخته بودند پیاده کردند و حکومت وقت ازآنها استقبال ولابه کنان به ایشان گل نثار می کردند. وبرای ده سال تام مارا به اسارت کشیدند، این یک وجه تشبیه. وجه دیگر تشبیه آنکه مثل امروز، از طرف حاکمان آن وقت، مورد استقبال قرار گرفتند.

ما منحیث یک مشتی از نویسند گان سراپا بی طرف وبی غرض که خوشبختانه از اول تا اینکم، نه درحزب وتنظیمی شرکت ونه در رستهٔ کسانی قرارداشتیم که بابیگانگان سرو سری داشتند ونه درقطار کسانی بودیم که با این وآن معامله ویا معاملات رنگارنگی داشتند.

عرض این مطالب برای نوعی از تفاخر وتبخر به عرض نمی رسانیم حا شاالله ومعاذ الله بلکه مقصد از آن اظهار بی طرفی می باشد تاسؤ تفاهمی که بدبختانه دربین خورد وبزرگ ما جاریست ویکی از بد بختی های عمدهٔ ما را تشکیل میدهد به میان نه آید.

به هر صورت باید بعرض رسانید که دفاع از وطن برهمه افغانها عموماً وبرکسانیکه مدعی حکمرانی براین مرزوبوم هستند خصوصاً وجوب دارد و درغیر آن باید به خود حق ندهیم تا مثلاً از شاه شجاع وکارمل بدگوئی کنیم ویا طالبان را مورد ملامت قراردهیم که چرا صاحب غرضان وآوارگان عرب وعجم را به خانهٔ خود راه دادند واختیار خود وکشور رابه آنها سپردند که نتایج آنرا اینک باگوشت وپوست خود احساس می کنیم چه دراین مورد خاص فرقی بادیگران نخواهیم داشت.

واقعات وحادثاتی که بعد از سال ۱۹۷۳ درکشور نسبتاً آرام ما در ساحات سیاسی ونظامی به وقوع پیوست وهمه هست وبود ما را به یغما برد، مقابلتاً چیزی هم به مردم مسلوب الحقوق ماداد که قبلاً تاحدی فاقد آن بودند وآن چیزعبارتست از یک شعور سیاسی، از طرف دیگر افغانستان کشور کوچکی است ودر ۲۸ سال گذشتهٔ پر آشوب که بیشتر از ربع یک قرن می شود، درعوض آنچه از دست دادیم، چیز یا چیز ک دیگری بدست آوردیم که عبارتست ازشناخت یکدیگر بصورت فردی وگروهی، چه همه امتحان خود را دادیم

«ص۷»

تبصرهٔ این شماره — مبصر کوډ بابا

همبستگی ملی وبین المللی

نیاز رفع بحران افغانستان

افغانستان ومردم مظلوم آن چنان درمیان یک بحران مزمن وتباه کننده گرفتار آمده که راه دشوار وپیچیده بیرون رفت از این بحران بدون همبستگی ملی وبین المللی غیر ممکن به نظر می آید. اکنون که دارد وجدان خفته جامعه بین المللی دراثرتکان عملیه تروریستی یازده سپتامبردرباره رفع بحران وتراژیدی افغانستان بیدارمیشود؛ وظیفه تاریخی مردم افغانستان وبه خصوص عناصر آگاه آن است که ازین فرصت مساعد استفاده نموده همبستگی ملی خود را تأمین واز شرایط به وجود آمده بین المللی درجهت نجات وطن از ین بحران وتراژیدی تاریخی بهره بگیرند.

بی نیاز ازتذکر است که مشکل عمده افغانستان نبود یک دولت ملی آگاه است که بر مبنای اراده آزاد مردم به وجود آمده باشد دراوضاع واحوال کنونی جهانی این زمینه به نظر می آید که جامعه بین المللی در موضعی قرار گرفته که با مردم افغانستان درایجاد یک دولت ملی ودموکراتیک مساعدت نماید. مردم افغانستان وبه خصوص حلقه ها وشخصیتهای آگاه باید با تأمین همبستگی ملی از ین زمینه مساعد به منظور ایجاد یک دولت ملی ودموکراتیک استفاده نمایند.

میتوان درین باره به طور فشرده یک طرح پیشنهادی رابه شرح زیر ارایه کرد:

۱- لویه جرگه اضطراری تشکیل واین دولت توسط لویه جرگه به وجود آید. لویه جرگه حکومت مؤقت دوره انتقال را نیز به وجود آورده وخطوط وظایف اساسی آن را مشخص نماید.

صدراعظم واعضای حکومت باید بادرنظر داشت ترکیب ملی ازاشخاص بیطرفی تشکیل یابند که درسابق درهیچ یک از گروههای متخاصم جنگی عضو نبوده باشند، قابل تذکر است که دربرابر این حکومت کوههایی از مشکلات ودشواریهای گوناگون قرار دارد ویادرک این موضوع مسؤولیت ومکلفیت ملی فرد فرد افغانستان این است که با مساعدت وهمبستگی بین المللی از هیچگونه همکاری،حمایت، پشتیبانی، ایثار وقربانی درجهت موفقیت وکامیابی این حکومت ملی دریغ نکنند.

۲- به منظور حفظ امنیت این دولت وحفظ امنیت کشور، تازمان ایجاد وتشکیل قوای مسلح ملی (اردوپلیس) یک نیروی صلح سازمان ملل متحد که در تشکیل آن نیروی های افغانی نیز داخل باشد به وجود آید.

۳- برای اکمال پرسونل دستگاه دولتی که به هزاران نفر مسلکی وحرفوی ومتخصص نیاز است بدون هیچگونه تبعیض وتعصب از همه کدر ها وپرسونل دوران حکومتهای قبلی استفاده شود.

٤- حکومت مؤقت دوره انتقالی بایست درصدر وظایف خویش (اعلان عفو عمومی، تشکیل قوای مسلح ملی(اردو وپلیس)، خلع سلاح عمومی، ریشه کن کردن کانونهای تروریستی، منع تولید، تجارت واستعمال مواد مخدره وسایر مواد نشه یی، تأمین ودفاع ارزشهای حقوق بشر وبه خصوص حقوق زن، بازسازی کشور، رفع مشکل مهاجران، تسوید قانون اساسی وسایر قوانین مربوط به آن، مساعد ساختن زمینه برای انتخابات عمومی درتحت نظر سازمان ملل متحد ودعوت لویه جرگه بعدی را) قراردهد. سیاست داخلی وخارجی صلحجویانه، متوازن ومتناسب به منافع

ـ ص۳ـ

یوه بله توطیه!

ووایم که نه وایم — فدا محمد ...

دافغانستان اوافغانانو په څو (کمین) کی ناستو دښمنانوپوخ سوګند کړی دی چی داخواروزاراولس پرینږدی چی دارام ساه واخلی.

کله چی په افغانستان کی دخلق اوپرچم مزدوری ډلګی د افغان مؤمن اوننګیالی اولس دننګیالیوځنوروپه وراندی په ګونډو کیدو ته نژدی شول، په افغانستان کی دروسانو شرمیدلی ماته اودهیواد پلوروخلقی، پرچمی کمونستانو دتخت اوبخت دشپو پای ته رسیدل حتمی شول، نوکاجی بی ان پخپله دکمونستانو ترمنځ دمنفی ناسیو نالیزم زړی وکاره اودنجیب له سقوط سره سم پښتانه کمونستان دیوه پښتون جهادی مشردپناه ترسیوری لاندی ودریدل اوغبر پښتانه دخپلو هغو.

څه وخت چی طالب را منځ ته شو که څه هم چی طالب خوبوبل شعاررامنځ ته کړ. مجاهد ته یی «توپکی» او «دشرو فساد عنصر» وویل خو عام تاثر داورکول کیده چی طالبان پښتانه اود پښتنو نمایندګان دی، که دپښتنون دالوی تاریخی قام دومره بی څوکه شی چی دطالب په څیر یوه نو مورکی ډله چی په علم پسی یی را ایستی تووره په لاس کی ګرځوله ددی قام نمایندګی کوی. بیا خو نوداقام مړینه دی په هرحال دایوه توطیه وه چی له یوی خوا د تیاته وښیی چی پښتون یو دغسی غیر متمدن اودعلم دښمن قام دی اوله بله خوا توطیه ګروغوښتل چی دافغانستان دملی یووالی دشیرازی دله منځه وړلو لپاره دنفاق یو دایمی زړی وکری په خواشینی سره چی څینی داسی پېښی هم رامنځ ته شوی چی داخبره یی دډیرو په ذهن کی ښه کښینوله چی خبره رښتیا هم د «پښتو» او «پارسو»ده، په داسی حال کی چی طالب ترټولو دمخه له پښتون نه حیا واخسته، لومړی یی پښتون بی وسلی کړ، لومړی یی پښتون ته کو تکونه راواړول، لومړی یی دپښتنو د سیمو ملی شتمنی چوراوچپاول کړی. لومړی یی دپښتنو له لاسوکار او له خولومړی واخسته ښه نوبیا دپښتون نماینده په څه شوا؟

داتوطیه دومره ژوره ده چی نژدی ده زموږ یو شمیر هیوادوال دجهاد، اسلام اوتوحید بیرغونه له لاسووغورځوی او پر ځای یی دناروا عصبیت بیرغ اوچت کړی، اوپه دی توګه افغانستان دیوه داسی توپان څپو ته وسپاری چی پای یی اصلاًنه معلومیږی، بس افغانان به بی کوره اوبی وطنه اوبی کفنه وی اوټول عمر به دنورو ډیکی خوری، څو ک به یی د «مهاجر» په نامه سپکوی، څوک به یی د «کابلی» په نامه اوڅوک هم د «پدرسوخته» په نامه. اصلی خبره داده چی هر چاخپل امتحان ورکړی، داکه ډلی دی که ګوندونه اوکه افراد، هر یو معلوم دی چی په څومره اوبوکی ولاړ دی، که افغانستان خدای بیا افغانستان کړ اودافغانانو ددرویشتو کاله دوبه بیهی دحوادثو له سمندره سهی سلامته راووته اوافغانان دخپل کلی مالت خاوندان شول نوبیا به هرچاته دخپلی ماضی هنداره په لاس کی ورکړل شی چی واخله اوخپله «مبارکه څیره!» دی پکی وګوره، اوس خوحالات په افغانانو داسی ورغی راوستی دی چی مجبوردی دهرچاپه خیانت، هیوادپلورنه اوبل ته په چوړ سترګی پټی کړی اوته هم نه وایی اوهغه هم بدنه وایی لاره خپله کړی.

اصلاً دسړیتوب اوانسانیت معیارونه نوردی، تره کی هم پښتون و، حفیظ الله امین اونجیب هم پښتانه وخو پښتانه یی په نوم اخستلو شرمیږی، همدارنګه دکارمل، اووکیل دامثالونه په نامه یی یو تاجک هم ویاړنښی کولای، اونه هم کشتمند دهزاره ورونو ویاړدی، نو پکار دادی چی جاهلی معیارونه په لته ووهل شی اودیو چاپه باب دقضاوت لپاره انسانی معیارونه په پام کی ونیول شی.

«پاتی٤»

نویسنده: کمال مطیع الدین

ترجمه :غازی

عروج وسقوط طالبان

بعدازسقوط کندز اینک طالبان ازجملهٔ ٢٩ ولایت افغانستان بر٣ ولایتی حکمرانی می کنندکه طرفداران محمد ظاهرشاه پاد شاه سابق افغانستان تحت نظر حامد کرزی باایشان درزدوخورد هستندوادعا می کنندکه ازین سه ولایت هم برخی ازحصص آنرا ، ایشان تحت تصرف خود درآورده اند. امریکا هم تعدادی از عساکر خود را دریکی از میدان های هوائی قندهار از چندی به این طرف پیاده کرده است.

وقراین زیادی اینک موجود است که به‌همین زودی ها ، طالبان مجبور شوند از قندهار که مرکز روحانی ایشانرا تشکیل می دهد نیز رانده شوندواین کار اگر انجام یافت به معنی سقوط طالبان خواهد بود .

تسخیرنودفیصد ازخا ک توسط طالبان از گرو های مجاهدینی که بالاخره به‌جنگ سالاران مبدل شده بودند درحدود ٢٤ ماه طول کشیداما از پای انداختن یک حکومت کاملأ اسلامی به سلیقهٔ طالبان که در هیچ یک از کشور های عالم اسلام نظیر آن به چشم نمی خورد درحدود٧ هفته را دربرگرفت و نتوانست درمقابل فشار ها ی تکنالوجی مقاومت کند طالبان درحقیقت دراثر ناکامی حکومت عبوری افغانستان که رهبران آن بین خود به‌زدوخورد پرداختند برستیج افغانستان ظاهرشدند که نتیجهٔ آن مرگ ومیر بیشتر از (٥٠٠٠٠) نفر را دربرداشت وبدین ترتیب طالبان برای دوسال حکمروائی کردند. بد ترازهمه اینکه تعداد زیادی از ایشان به کار واعمال نامطلوبی دست بردند . تعدادی از ایشان به گنگسترها مبدل گردیدند واز دکانداران به‌اخازی پرداختندوبه گرفتن محصول از عراده جات مسافرین آغاز کردند که درساحات تحت نفوذ ایشان درآمد وشد بودند . مملکت را انارشی و ناآرامی فرا گرفته بود وگروه های مجاهدین که‌به‌اتفاق واتحاد درپهلوی همدگر باعساکر متجاوز روس جنگیده بودند یا نخواستند ویاهم نتوانستند درمقابل تودۀ مردم پایداری کنند. عوام الناس افغان در انتظار نجات دهنده‌ای بودند ، لذا مشکلی درحقیقت ، دربین وجود نداشت، وتعدادی ازطالب العلمان محلی درپی آن شدند که به‌این جنگ وبی نظمی ها ئی خاتمه دهند که درافغانستان بیداد می کرد .

این ملا محمد عمر بود که خود را واداشت که متجاوزین را تأدیب کند وصلح را درکشور قایم سازد نامبرده دریکی از مساجد قریهٔ خود کوشید تا دراین مهم طرفدارانی برای خود بیا بد والبته بعد از مشکلاتی توانست به‌اقناع تعداد ی از طالب العلمان بپردازد تاباأو یکجاشوند.

حاجی بشر یکی ازقوماندان های حزب اسلامی خالص حاضر شد به ملا محمد عمر اسلحه و چند عراده موتر تهیه کند، ملا عمر بعداً لیدر شب تعدادی ازطالبان جوان وخون گرم را به‌عهده گرفت وتحریک طالبان را براه انداخت.

اهداف عاجل این تشکل نورا خلع سلاح گروپ های رقیب ملیشا ئی تشکیل میداد وتحمیل شریعت اسلامی درمناطق که ایشان توانستند آنرا آزاد کنند که به‌اساس فقه مذهب سنی حنفی باید اداه می شد.

ملامحمد عمر شخصاً تحت تأثیر تلقینات مکتب دیوبندی پاکستان بود که تعداد زیادی از طالب العلمان دیگر افغان هم درهمان جا تحصیل کرده بودند ملا محمد عمر بیشتر متوجه برهان الدین ربانی بود که بعد از اختتام دورۀ معینۀ ریاست جمهوری خوددر ١٩٩٤ به‌چوکی ریاست جمهوری محکم چسپیده بود وازان نمی گذشت. اینکه طالبان توانستند به زودی ملیشا های رقیب خود را خلع سلاح کنند به‌نفع ایشان تمام شد، پاتک ها را در هرجاکه بود از بین برد وجنگها را خاتمه داد وچون دراول مرحله نه خانه‌های مردم را متصرف شدندونه‌هم به مال ومنال مردم دست درازی کردند از ایشان استقبال نیکی شد وضع زند گی ساده وپابندی شان به‌ارشادات دین مبین اسلام و عنعنات مردم افغانستان ، توسط مردم تقدیر شد ، مردمی که‌بی سواد بودند وسالها در فقر وفاقه زیسته بودند ، این طرز زندگی که ایشان برای خود اختیار کرده بودند اصلاً

ایشانرا به‌شهرت رساند یکی از اسباب صعود یکدم طالبان را همانا فرار تعداد افراد گروه های مجاهدین نسبتاً زیاد و جنگجویانی تشکیل میدهد که‌هم تابینی دراسلحه‌غرقه بودندوهم تجربهٔ کافی درجنگ داشتند وحتی برهان الدین ربانی در جنگ های سروبی طالبان را علیه حکمتیار کمک کرد .

اما افراط گرائی مذهبی شان ایشانرا هم درمقابل مردم خود شا ن وهم درپیشگاه جهانیان خوارساخت. زن هادرخانه های شان محصورو مقید شدند مدارس دخترانه به کلی بسته‌شد، زن ها از کار کردن محروم شدند ، مردها هم نمی توانستدکاری برای خود دریابند ، نان ودارو ودوا درد سترس مردم نبود ومردم به کلی مایوس وسرخورده شدند ، طالبان توانستند شهر هارا یکی بعد دیگری متصرف شوند بدون آنکه کسی با انها بجنگد این مسئله به‌اعتبار شان افزود که آمده اند تا صلح را قایم ودایم سازند اماوقتیکه ایشان هم به جنگ دست بردند وبازخون ریزی درکوچه و بازار آغاز یافت مردم ازایشان هم به‌ستوه آمدند .

ملا محمد عمر می خواست که مملکت را براستی به یک کشور اسلامی مبدل سازد اما خودش چنان تعلیمات وبصیرت ضروری وکافی اسلامی نداشت که یک حکومت را اداره کند وقتیکه من (نویسندهٔ این مقال) درسال ١٩٩٠ باقاضی حسین احمد مصاحبه ای داشتم به‌اوگفتم که طالبان دارای تعلیمات جهادی نیستند ، لذا نخواهند توانست امور یک دولت رابراه اندازند به من گفت که ایشان حتی فاقد تعالیم قدیمه هم هستند ، پس معلوم می شود که قاضی صاحب حالا اهداف دیگری داشت که از طالبان افغانستان طرفداری می کرد .

موجودیت اسامه بن لادن وشبکهٔ القاعدهٔ او به‌طالبان فایده‌ای نرساند بلکه برعکس ضرر زیادی نمود ، اسامه جنگ را علیه اتحاد شمال افغانستان تمویل می کرد وبرآتش آن روغن می ریخت اما میلان یا کوشش او در مورد پاک سازی بعضی از ممالک اسلامی از قوای نظامی امریکا یا تنزیل مقام ومنزلت سعودی تنها به‌خود او تعلق داشت. همین اسامه بود که ملا محمد عمر پشتیبانی سه‌کشور را که رژیم اورا به رسمیت می شناخت ، ازدست داد ، چه‌اوبه مشوره های آنها گوش نمی داد وهمچنان به نظریات وتشویش های آنها

«ص ٧»

د افغانستان غم لړلی «نن» او نامعلومه «سبا» – ؟

محمد اصف اکرام

دډیروپه ګومان دافغانستان بدمرغی د١٣٥٧ دغویی په٧دخلقیانودکودتا سره پیل شوه اوترنامعلومی راتلونکی پوری به جاری وی. دهیواد «نن» ډیربدمرغه ده، دسبا دښه کیدو په هیله یو اوراتلونکی ته ګورو نن زمونږ هیواد د تاریخ د یوی ډیری ناوړی غمیزی نه کړیږی ٢٣ کالو جنګ اودریو کالو وچکالی زمونږ خلک تربل هروخته بی وزلی اوکمزوری کړی دی هاغسی چی مونږ دانسان په لاس جوړی بدمرغی ځخه کړیږو هلته پر مونږ ښتن تعالی اودهغه طبیعت هم دباران مخه نیولی ده په دی کی زمونږ پر خپلو خلکو په تیره بیا په‌مشرانو باندی ملامتی راځی خولوی لاس پکی دنورو او پردیو دی.

ټول یی وینی نور زمونږ په‌سر چنی وهی ، زمونږ له پاره سپارښتنی کوی او زمونږ په‌استازیتوب څوک منی اوڅوک نه منی .دوستان اودښمنان راته ټاکی حکومت راته جوړوی . پوځیان او نور جنګیالی راکوی وسلی راکوی خواړه اوبشری مرستی رااستوی زمونږ دروژی اوژمی غم خوری داڅو مره ښه اوبشردوستان خلک دی! ؟

زمونږ خلک دجنګ اولوړی له‌لاسه مړه کیږی یوی‌خواته طالبان دخلکو دحقونو اوغوښتنو دښمنانۀ اودبلی خوا لویدیځوال بمباری کوی. یو ی‌خواته ډانګ‌اوبلی خواته پړانګ‌دی. خلک پردوه لاری‌ولاړ دی پر کومه خوا ولاړ شی؟ دطالبانو خوا خویی داشپږ کاله نیولی وه‌نتیجه یی داشوه چی په خپل کور کی پردی‌شو ، میلمه مو ملک‌شو اوواک مو دبل شو ، په هیواد کی دپردیو حکومت دی او څوک چی دخاوری ، هویت او درناوی دعوه کوی په مړینه محکومیږی ، هم په‌هیواد دننه اوهم په بهرکی دمړینی دګواښونو سره مخامخ کیږی.

لویدیځو ال مو ددرنو اوپیچلو وسلو سره ژغورنی ته راغلی دی اوپه هراړخیزه جګړه کی بوخت دی خودی جګړی ته په‌راتلونکی کی یی له چانه هم پوښتنه نه دد کړی.

اوڅوک یې دبايللو فکر هم نه کوي خوله جنګه وروسته به‌دلته څه کیږي ؟

القاعده اوطالبان به‌له‌دې هیواده‌چېرته ځي اوداهیواد به‌کله هم له‌هغوي ژغورل کیږي. اوله‌هغې وروسته به‌څوک راځي ؟ ګومان دی له جنګه وروسته به په هیواد کې له دووځخه دیو حالت‌سره مخامخ کیږو.

١- هیواد به نور هم بدمرغه شي سیاسي ګډوډي، قوماندانان سالاري ، بې وزلي ، سیمه‌یزي جګړې ، بې ثباتي ، بې سرنوشتي اوبیاوړد کړیدلي حالت لویدیځوال دخپلو ټاکلو هدفونو دلاس ته راوړنې یا پاتې راتلودواړو حالاتو په پای کې له‌دې ځایه ځي اوافغانستان پرېږدي چاهم ورسره څه تړون نه‌دی کړی اودافغانانو په وړاندي کومه ژمنه نه لري پخوایي هم چېري کله کومه اخلاقي دنده نه ده منلي. نو که ملي ګټې یې نه وي، یا پوره شي، بیا نو بل داسې کوم عامل نشته چې دلته‌دې باتې‌شي دپاتې کیدو خبره خو څه ، دهیواد دبیا جوړونې ستونزه به‌څنګه کیږي.

لویدیځ مشران خو نن ددې هیواد له جنګه‌وروسته‌دبیا رغونې یادونې کوي خو ګومان دی داد جنګ‌دوخت خبرې دي، نه‌دسولې دزمانې، په تاریخ کې امریکې ښودلې ده په خپلو ژمنو هم نه دریږي، اوبیا چې لادژمنې خبره هم نه وي. دخپلو ګټو پرته د بل هیڅ شي پروا نه‌ساتي اوددې هرڅه له‌پاره لاري هم‌شته ښا یې دتروریزم‌سره له جنګ وروسته په متحده ایالتو کې حکومت بدل شي نوي حکومت بیا نوي او نور پلانونه‌لري نوداهیواد به پاتې شي.

٢- که امریکا ئیان رښتیا دافغانستان ستراتژیک اوسیاسي ارزښت ته اهمیت ورکړي، اوپه‌بیا رغونه کې لاس راکړي اواقتصادي پر مختیایي پروګرامونه را ته وچلوي. هیواد راسره په‌اقتصادي لارورواں کړي، دښوونې روزنې اوفرهنګي پرمختیا اسانتیاوې راته برابرې کړي ، کرنه ، سوداګري ،صنعت اوبیلابیلې حکومتي ادارې راته جوړې کړي. دپردیو له منګولو مووژغوري بیا نو دژوندې پاتې کیدو وړتیا پیدا کولې شو اوپه نړۍ کې د یوازاد اوښیرازه هیواد په توګه دنورو سره په کتارکې برابرودریدلې شو داټول یواځې هغه وخت کیدې شي چې زمونږ ټول خلک پکې د زړه له کومې برخه واخلي اوکار پکې وکړي.

نیاز رفع بحران...

ملی افغانستان راتنظیم نموده، ایجاد اعتماد واحترام باکشور های همسایه وهمه کشور های جهان وعدم مداخله درامور همدیگر را اصول واساس سیاست خارجی افغانستان اعلام نماید.

٥- ازسازمان ملل متحد، جامعه بین المللی واتلاف جهانی ضد تروریزم خواسته شود که‌استقلال وبیطرفی افغانستان وعدم مداخلات خارجی درامور افغانستان را تضمین نمایند.

٦- به منظور بازسازی افغانستان واحیای امور اقتصادی، فرهنگی واجتماعی کشور، کمکها ومساعدتهای وسیع بلاعوض کشور های ثروتمند جهان ومؤسسات بین المللی جلب کردد واقدامات سریع وثمر بخش به عمل اید.

٧- قوای مسلح ملی (اردو وپلیس) ازاشخاص که تحصیلات وتعلیمات مسلکی وحرفوی وتخصصی نظامی داشته باشند، تشکیل وتکمیل گردد وافراد مورد نیاز مطابق قانون مکلفیت عسکری جلب واحضار شود. (برای افسران وسربازان معاش کافی که بتواند یک زند گی آبرو مندانه برای خود وخانواده آنان را تأمین نماید تادیه گردد) شرف وافتخار هریک ازاعضای قوای مسلح ملی همانا حراست ودفاع ازاستقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی ، ارزشهای قانون اساسی وسایر قوانین کشور وارزشهای دین مبین اسلام، پا بندی ووفاداری به تعهد تحلیفی شان میباشد که باید به حیث یک فرد اگاه افغان ومسلمان باکمال صداقت به آن متعهد ووفادار باشند واز عضویت در احزاب سیاسی مطابق قانون اجتناب نمایند.

منافع ملی افغانستان درین مرحله حساس ومهم تاریخی حکم مینماید که باید مردم افغانستان وبه خصوص عناصر آگاه آن از خود هشیاری نشان داده، باروحیه ایثار وقربانی به دور زعیم ملی منتخب لویه جرگه گرد آمده وبا حکومت مؤقت دوره انتقالی به خاطر رفع بحران ونجات افغانستان ازین تراژیدی تاریخی بااستفاده سودمند از اوضاع واحوال مساعد کنونی بین المللی ازهیچگونه همکاری وهمبستگی صادقانه وثمر بخش دریغ نورزند.و من الله توفیق

امریکا به داد مردم افغانستان رسید یا....

«البتگین»

ایالات متحده امریکا دردومقطع اززمان ، درطول بیست وچهار سال گذشته دوبار به داد مردم افغانستان رسید؛ باراول به خاطر«ناک اوت» روس ها ازافغانستان که بعد یک قرن واندی «قروتک» درکنار های جنوب آمودریا ، آمده بودند تا افغانستان حایل رایک تنه ببلعند و خود همسایه پاکستان گردند.

بریتانیا ی کبیر، سلف ایالات متحده امریکا درآنسوی سالهای وسده ها زمانیکه برنیم قارهٔ هند چمپا ته زده بود؛ تعبیر های از این خواب خوش روس ها داشت وقبل برین طلسم پریشان کردن خواب حریف را در«هفت پوش رنگه» برای روز مبادا درتاق بلند گذاشته بود؛ سرانجام این طلسم یکروز به درد ایالات متحده امریکا خورد. افغانستان سرشار از نیروی انسانی واما فقیر نگهداشته شده درتمامی مناسبات اجتماعی، اقتصادی وفرهنگی ، در نتیجهٔ رقابت های طولانی دوکشور بزرگ اروپا یی، انگلستان وروسیه که هر ان پیشگیری سیاست های بیطرفی ، دروازه های بسته وغیر منسلک ماندن رابرای ادامهٔ حیات آن ، یک اصل می دانستند؛ آماده گی جنگ را می گرفت. تنها تدارک پول واسلحه برای نشاندن روس ها به خاک سیاه کافی بود که چنان هم شد. روس ها بالاخره درافغانستان نه، بلکه درجهان شکست خوردند. امریکا بیان شاد مان از این پیروزی بزرگ ، درحالیکه یک سرباز امریکا یی هم دراین جنگ سرنباخته بود به میلیون ها کشته معلول و معیوب وآوارهٔ افغان درمیدان های جنگ افغانستان ، پشت کردند وباخاطرجمع درآنسوی اوقیانوس؛ عقب نشستند.

تقویم سال ۱۹۹۲ را نشان میدهد که افغانستان ویران ، درد مند و خسته ازجنگ وارد دوران دیگری ازجنگ ها می شود وآخرین آبادی های تاسیسات وزیر بنا های اقتصادی ، تعلیمی وفرهنگی ، باز مانده از اولین دوران جنگ که هنوز می توانست هستی کشوری وملتی را تمثیل کند؛ درجنگ برسر تقسیم غنایم منقول وغیر منقول افغانستان میان« رامبو » های محلی که امریکا پس از پا درآوردن حریف بنابر عدم ضرورت ترک شان کرده ودرخدمت کشور های همسایه وکشور های ذی نفع وذی علاقه درمنطقه قرار گرفته بودند؛ ویران وتاراج گردید، دراین دوران جنگ نیز صد ها هزار افغان کشته، معلول، بی خانمان وآواره گردیدند.

سال ۱۹۹۵ جنگ بوقلمونی درافغانستان بازرنگ عوض کرد وطیف دیگری ازجنگجویان وارد کارزار شدند تا مگر افغانستان را برای یک شکم ببلعند.

برای تحقق این مامول که خود شریفانه اش می خواندند؛ زمان را وهر آنچه ره آورد زمان از دانش وعلوم ومظاهرتمدن بود تایکهزار وچارصد سال Re-wind کردند، جاییکه مقاومت کرد، آتش زدند مرد میکه مقاومت کرد تیر باران شدند نطع گستردهٔ آنان دراگست ۱۹۹۸ از فاریاب تاتخار وازآنجا تاکوه های خیر خانهٔ کابل، هنوز بوی خون میدهد، این دوری ازجنگ که بازهم جان ده ها هزار افغان هموطن مارا گرفت وصد ها هزار دیگر را آواره ومهاجر ساخت.اصطلاحات « زمین سوخته» « کوچ های اجباری » وحتی «نسل کشی» را نیز شامل فرهنگ جنگ افغانستان نمود.

واما سال ۲۰۰۱ : حوادث ۱۱ سپتمبر درشهر های نیویارک وواشنگتن ، جنگ جاری درافغانستان را انکشاف تازهٔ بخشید وجنگ وارد چهار مین مرحله از حیات ننگین خود می شود ایالات متحده امریکا ، پس ازراه اندازی یک کمپا ین بزرگ تبلیغاتی به خاطر جلب حمایت جامعه جهانی از آنچه که درسردارد با سازوبرگ گستردهٔ نظامی به تاریخ ۱۷ اکتوبر به جنگ افغانستان می شتابد با این توجیه که لانه های تروریستان وحامیان آنانرا درافغانستان می کوبد؛ افغانستان نه بلکه جهان را از خطر تروریزم مصفا می کندومی رهاند ، حالا واقعیت هرچه می خواهد باشد؛ مردم افغانستان درحالیکه وارد بیست وچارمین زمستان جنگ، که همه اش درد وضجه وناله وعذاب بوده است وهنوزمتاع بازار جنگ نعمت زندگی وحیات آنان است که سُتانده می شود، می شونداز خود می پرسند: این اسامه کی است که ایالات متحده امریکا ، بابم های ۷۵۰۰ پونده تن افغانستان درد مندرا می کوبد؟ سازمان القاعده چی می خواهد طالبان درکجا هستی یافتند ؟ کی اسامه را به افغانستان آورد ویا زمینه ساز آمدن وی شد وتداوم حیاتش را درافغانستان با تولد طالبان تسجیل کرد ؟ چطور شد که امریکا یاد یاران قدیم افتاد وباردیگرچاق شان کرد؛ مگر باز ضرورت افتاده بود که دشمنان ان کشور را درافغانستان نابود کنند؟

بپذیریم برای آنچه که امریکا زهر می پنداشت، پادزهری یافت ، واکسین ساخت ویا تشخیص اهل ، نا اهل را با اهل زودود. حق داریم بپرسم کی مارا وچی مارا چنان بیمار کرد که با« غولک »و« فلاخن» به جنگ «وهیل» و« فیل» برآییم، مضحکه پیش اید وهمه به ریش مابخندند؟ تاریخ گواه است که چنین نبوده ایم. ما مدنیت های بزرگی راد رجها ن بالنده شارح بوده ایم.

ناتوانی وبیچاره گی کنونی ما ، ریشه درهزار ویک عامل نفوذی دارد این مسأله را انگلیس ها میدانند، روس ها میدانند. امریکا یی ها میدانند وبالاخره کشور های همسایه افغانستان ومنطقه میدانند.

اکنون که جهان متمدن ! عزم کرده است درافغانستا ن جبیرهٔ گناهان کند، درد اکه بهای آن ، باز همان غمنامه تکراری « دوبیرق برسرگور دوعسکر» است.

هموطن! ماراچه افتاد که از آن روز گاران آفتابی به ظلمتی فراز آییم که امروزه داد خواهی ورسیده گی به مظلمهٔ ما را دیگران کنند وبخواهند بگویند اگر می خواهید زنده بمانیدوزند گی کنید درنشست « بن» به ترتیب قد، قدراست ایستاده شوید!

خوچی دی ژوندی وی!!!

الف، کمزوری

که ټوله نړی مورته دملامتی گوته ونیسی، پروانه لری، خوچی دی ژوندی وی!

که دامریکا متحده ایالات پر مور اقتصادی بندیزونه ولگوی پروانه لری ، خوچی دی ژوندی وی!

که ملگری ملتونه ددغه بندیزونو ملاتړ وکړی هم هیڅ باک نه لری!

که په درسته نړی کی دویری اودار دخپراوی تور پرده پوری شی او په دی ترڅ کی دملامتی گوته مورته ونیول شی او مور ترتهدید لاندی ونیول شو ،پروانه لری ،خوچی دی خپه نه شی!

اوبالاخره:

که دامریکا متحده ایالات زمور پر هیواد پوځی عملیات پیل کوی، دتشویش وړ نه ده ،خو چی دی وساتل شی!

که په پوځی عملیاتوکی ولسی خلک ووژل شی، دومره غته خبره نه ده، خوچی دده دسرسیوری زمور له سره کم نه شی!!!

که دافغانستان هوایی ډگرونه، درادارونو سیستم او پوځی وسایل له منځه لاړ شی ، باک نه لری خوچی دی بچ پاتی شی!

که دافغانستان عصری ودانی، دولتی اوشخصی ملکیتونه ونړیږی ،خیر دی خوچی دی ژوندی وساتل شی!

که دافغانستان سرکونه ، پلونه اوحکومتی تأسیسات ټول له منځه لاړ شی بیا هم پروانه لری ، خوچی دی له منځه لاړ نه شی!

که دافغانستان داردو پوځی وسایل ټانکونه ، توپونه اوډول ډول وسلی، چی دبیچاره افغان ولس ملی شتمنی ده او ددوی له وینو، اوښکو اوخولونه ترلاسه شوی ، ویجاړ شی، په توپونو اوبمونو وویشتل شی ، هیڅ پروانه لری، خوچی دابناغلی خپه نه شی!

که دافغانستان مخابرات اوټلیفون سیستم بالکل فلج شی، باک نه لری، خوچی دی ژوندی وی!

که دافغانستان ټول بازارونه، دوکانونه، سرایونه ، هوټلونه اوترانسپورتی سیستم ودړیږی، بند شی اوپه پای کی له منځه لاړ شی ، خیر دی، خوچی دی روغ پاتی شی!

که دافغانستان هوایی نړیوال سیستم او داریانا افغان هوایی شرکت اوددوی الوتکی له منځه لاړی شی خیردی، خوچی ده ته کوم نقصان ونه رسی!

که دافغانستان کونډی ، پیغلی اوماشومان وږی ، تږی اودیخنی له لاسه هلاک شی، څه پرواکوی خوچی دی ژوندی وساتل شی!

که دافغانستان پیغلی دتیراه او گند اوپه غرنیو پیچومیو کی دشپو شپو سخت منزلونه ووهی ، بیا پروانه لری، خو چی دی زیانمن نه شی.

که دافغانستان پیغلو اوتور سروته پردی خلک د خریدار په سترگه وگوری هیڅ پروا نه لری.خو چی دده دبدن کوم غړی ته زیان ونه رسیږی.

که افغانان، وږی اوتږی دپاکستان اوایران او تاجکستان په سپیرودښتو اوډاگونو کی خیمی ووهی اودسبا اوبیگاه ډوډی ونه لری خیر دی، خوچی دی وساتل شی!

که افغانان دپیښور اوپنجاب په کوڅو کی خیراتونه ټول کړی ، وړه خبره ده، خوچی دی دافغانستان په ازاده فضا کی آزاد ژوند وکړای شی!

که دافغانستان واړه ماشومان دښوونځی له تگه پاتی شی ، او په هیواد کی دننه یی په بمبارد کی ښوونځی له منځه لاړ شی اودوی هم په کی ووژل شی اوپه پیښور کی خلکو ته دسوال لاس وغځوی بیاهم دفکر وړ نه ده، خوچی دده برکتی وجود په افغانستان کی ژوند وساتل شی.

که دافغانستان دبریښنا بندونه، ویالی، نهرونه اوکښتونه له منځه لاړ شی او په غرونو کی شین بوټی په سترگو ونه لیدل شی اوټول په بمونو وسوزی خیر دی،خوچی دی ژوندی پاتی شی.

که افغانان شپه او ورځ په ویښه تیره کړی،په خپل هیواد اونه په بل هیواد کی له غم ، فکر اودربدری نه خلاص شی، باک نه لری ، خو چی ده ته په افغانستان کی نقصان ونه رسیږی.

که دده په سر دافغانستان ټول نومیالی، سیاسی اشخاص اومجاهدین اعدام شی اووژل شی بیاهم پروانه لری ، خوچی ده ته کومه ستونزه پیدا نه شی.او بالاخره:

که پر افغانستان اتومی بمونه وغورځول شی هیڅ پروانه لری، خوچی دی ژوندی وی!

زمور، خو مره محترم میلمه دی اوڅومره فضلیت مآب شخصیت!!

یوه بله توطیه!

عجیبه داده چی اوس افغانان پر ځای ناست دی خو نورو دپښتو نولی او تاجکولی اوازبکولی بیرغونه پورته کړی دی، زه خپلو افغانانو ته بلنه ورکوم چی که پخپله نه پوهیږی له نورو دی زده کړی چی کله یی دملی گټو خبره شی ټول یو موټی اویو اواز شی.

دعصبیت هر غږ اوهر شعار که دهر لوری،هری ډلی او هر فرد له خوا چی زمور ملی وحدت زیانمنوی پورته کیږی محکوم دی اوباید پردی پوه شو چی مور دخپلو ویدو اسلامی اوافغانی خودیو راویښولو اودملی وحدت تأمین ته اړتیا لرو نه داچی داخل داملک دپښتو ن اوغیر پښتون په نامه وویشو، زه پردی باوریم چی دغه قومی ، ژبنی اوسمتی عصبیتونه که دهر چاله خوا وی ددی عصر بتگری ده اوددی شعار ورکوونکی هریو ددی عصرد آزر مثال لری چی باید ځان تری وساتو مور باید چاته داجازه ورنکړو چی حقوق مو تر پښو لاندی کړی خو دعصر له بتگری نه باید په هرحال ځانونه وساتو.

ACKU

د شعر او ادب

گل بازی

طلوع

کوه بابا

شفق داغ سحر گاهی
نشستم برسرسنگی
کنار بحرآبی رنگ
نگاهم درشنابودی
میان موجهای پرتپشها وتلاطمها
درانجاواژه ها دیدم پرازگلهای رنگارنگ
پرازعطروطراو تها پرازمهرومحبتها
درانجانور میدیدم که بیرون میشد ازدریا
وپیپا شید نورو روشنی ها بی ریا هرسو
دران صبح سحرگاهی
کنار بحرآبی رنگ
تماشای طلوع آفتاب آنگاه که بیرون میشود ازبحر
به توگوید سخنهایی
سخنهایی پرازرمزوپر ازرازوپراز معنی
سخنهایی که درواژه نگنجد شرح وتفصیلش
همه باشد شگفتیها
که درانسان نمی گنجد
وما باشیم بسی قاصر
زفهم این شگفتیها
همه این راز ورمزواین شگفتیها به ما گوید
که باشد زنده گی زیبا
به چشم باز اگر بینیم
به هرسو نوروز بیابی
بیاید درنگاه ما
وگوید ای بنی ادم
همه این نوروزیبایی
که آید درنگاه تو
همه از بهرتوباشد
که توباشی بسی آسوده وارام وبی آزار
نگاه کن این همه نعمت
که خالق بهرتوداده
سراسر درطبیعت هر چی باشد بهر توباشد
برایت کافی وشافی بود این جمله نعمتها
اگر تودر صفاوصلح باشی اندرین دنیا
بیابی هرچی خواهی ازتنعمهاولذتها
مگر افسوس صد افسوس
که قدر این همه نعمت
نمیدانی هما نطوری که باید قدرآن دانست

سړی دیری!

متین «خوړیانی»

ډکی په ځـــوانانو هدیری شـــوښی
تولی بنګلی خـــاوری اوایری شـــولی
څـــه بلا پیـــدا شـــوه وطن اورواخـــیـــست
ډکی اشـــبـــانی لاړی ســـپـــیـــری شـولی
هغـــه ورشـــوگـــانی چی یی زیب کـــاوه
وچی اوپـه وینـوبـانـدی ســـــری شـــولی
ورانی شـــوی حـــجـــری اوشـــوی دیری ســـړی
لاړی پـــه وسـلـو ذری ذری شـــــــــولـی
تاچی پری لا مـــینه افـــتـــخـــار کـــاوه
جـــوړی ورنه اوس شـــاړی مـــیـــری شـــولی

ای زن سرگشته

بلقیس «مکیز»

فرد دورازجمع باخود تک وتنها هیچ نیست
قطره با آن روشنی بیرون دریا هیچ نیست
اواگر با مانباشد مابه پهلوی همه
این تپید نها برای کشور ما هیچ نیست
زندگی دروهم می پیچید برای نسل ما
اندرین بازی برای نسل فردا هیچ نیست
خون پاک مردم باهمت ما حیف گشت
این گهر درچشم بیدردان دنیا هیچ نیست
هرقدرنوشیم می از ساغر ومینای غیر
جززخود بیخود شدن دراین تماشا هیچ نیست
مافضای دهر را بیخود مکدر ساختیم
توشه یی دراین کشاکش هابه عقبی هیچ نیست
یک نفس اینجا نیاسودیم از یاد وطن
ما در مارا بدنیا مثل وهمتا هیچ نیست
حلقهٔ زنجیر را بشکن مرا آزاد کن
زآنکه «آدم» دور از پهلوی «حوا» هیچ نیست
ای زن سرگشتهٔ بی خانمان دربدر
سرنبه، برزانو انت، غیر سوداهیچ نیست

حسین الله کودک گرسنهٔ افغان درعقب سیم های خارداردرمرزافغانستان وپاکستان

افغان ته

کاشکی مړوی چی می هیڅ نه وی لیدلی
داد ستا په مرگ حساب ژونـــدون افغانه
نه شرمیږی تول قـــومونه سره یو شـــول
ته شلـــیدلی تنهـــی پروت یی پریشانه

پښتون ته

دهاتی غوږ کی ویده یی بی انصافه
خلک گرځی داسمان په کنارو کی
ته لاوائی الف بی دتـربگـــنیو
دنفـــاق اوجهـــالت په سیپاروکی

اروابناد موسی شفیق

حزب جدید

نوشته : یما ناشریکمنش   قسمت آخر

برای آنکه به حافظه سپردن آن برای ماوشما مشکل نباشد، ازهرسه کلمه، حرف شروع ان را می گیریم وبعد برای آنکه نوآوری شود آن را معکوس می سازیم که می شود «خرم» این کلمهٔ جدید هم نشان ازاصلیت ما دارد وهم بیانگر نواندیشی ماخواهد بود»
خربزرگ دیگری که تایادش می آمد عضو حزب خران بود، سرش رابه آهستگی بلند کرده بود.
باصدای آرامش بخشی که با سنش کاملاً تناسب داشت وتوگویی پژواک آوازه پیری را درگنبد عمر می شنوی چنین گفته بود:
«به اجازهٔ رهبرما، فقط می خواستم تأکید کنم که اقتضای زمان نباید ازنظر مابیفتد ولی همچنان سزاوار نیست که کس بگوید:

امروز زمان خرخری بگذ شته
حزب وفلک وزمانه دیگر گشته

آنچه راکه هوشیارانه از احمقان بدست آورده ایم، نباید گذاشت تا احمقانه از هوشیاران بازگیرند.

هشیار ! که ازبشر، خطرخواهد بود؛
ازجنس دوپا ترا حـــذرخواهد بود
ازپیرخران، حساب دنیا می گیر
تاعالم وآدم است، خرخواهد بود»

روزدیگرهمچنان مباحثه کرده بودند وبعد روز ها وروز های دیگرنیز می خواستند دل ها از کینه چنانکه زنگار از آیینه پاک گردد هر کس به دلیل عقل چیزی می گفت.
درین مباحثات چند بار ماه از سلخ به غره آمد، ازغره به سلخ، ولی بیشهٔ انتظار همچنان خالی ازپلنگ خفته بود وگره از کار فرّوبسته کشاده نمی شد. اواندیشیده بود: «باچند زبان انگور می خواهند وازهیچ زبان انگور شنیده نمی شود باکلام رنگین، نردبان برآسمان می گذارند ولی قدم درترک راهٔ ترکستان برنمی دارند می دانم، این ها به من چشم امید دوخته اند باید بهترین شان کاری کند که عصرو زمان آن را تقاضا می کند ولی دیگرچه کنم؟ حزب ساختم، خرساختم کره خرساختم، خربزرگ ساختم، دیگر چه بسازم؟»
مدت ها بود که می اندیشید شاید انتظار کارفوق العاده بود متیقن بود که اندیشه های بکر فقط وفقط به سراغ اومی آیند، به سراغ باتجربه ترین، کار کشته ترین ودانشمند ترین. طبیعی است، همیشه نیز چنین بوده، چرانباشد؟
ازهجوم فکر های مختلف ذهنش انباشته شده بود هرچند لحظه یی، مفکوره یی به سراغش می آمد ناگهان آنچه راکه منتظر ش بود به وقوع پیوست: «بلی! دقیقاً همان است که بایدمی بود».
به آهستگی سرش راتکان داد تا مبادا این مفکورهٔ جدید بافکر های فراوان دیگراو مخلوط گردد:
«امروز که ازبرکت جانفشانی های حزب خران، شهرراخر گرفته است دوام این حزب دیگرضرورت نیست باید حزبی ساخت، حزب جدید کاملاً ابتکاری حزبی که ضرورت امروز است: حزب آدم ها. دیریست که ازچنین حزبی نشانی نیست

ازجهل جهان، هیچ خسی کم نشود
اندرغم فضـــل، هیچ ماتم نشود
پژواک فغان انقلاب است انیجا
ای بیخبران، خرازچه آدم نشود»

دریکی از روز ها این اندیشـــه بکروکاملاً دست اول را با تمام اعضای حزب خران درمیان گذاشت همه از دل وجان موافقت خود را اعلام کردند ولی تا امـــروز کس نمی داند چه وقت این تصـــمیم شان عملی خـــواهد شـد.

ACKU

شمالی اتحاد تیرو ترخو تجربو دقدرت له انحصاره تیر کړ

درنولوستونکو؛ داخل مو دهیواد دروانو حالاتو دبنه غورچاڼ اوڅیړنې له امله، دهیواد نومیالی لیکوال اوڅیړندوی محترم استاد محمدزمان مزمل صاحب ته دمرکی بلنه ورکړی چی دادی دامرکه ستاسی په مخکی ده دومره یادونه کوو چی زموږ په دی مرکه کی دنومبر دمیاشتی تردریمی نیټی پوری بدلونونه او مسایل څیړل شوًاو راتلونکی احتمالاتو ته هم په کی گوته نیول شوی ده.

په درنښت

س: محترم وروړ مزمل صاحب تاسی په دی وروستیو وختونو کی کابل ته دیوه هیأت په ترځ کی تللی وی دسفر هدف موڅه ؤ او نتیجه یی څه شوه؟

ج: دکابل سفرخو دیو شیمر افغانی ورونو له دی تشویش نه چی په وروستیو حالاتو کی یو شمیرزیات پاکستانی ورونه دخپلو ملایانو په فتوی اوهلته دامریکائی پوځ دراتگ اوبمبارد دآوازو او عمل په نتیجه کی افغانستان ته لاړل خوهلته حالات ژر بدل شول اوطالبانوونشوکړای چی داخپل بهرنی دوستان سهی سمبال کړی زیات یی تلف شول، نوریی اسیر او څه هم په کی ورک دی موږ په دی خاطر چی څوک فکرو نکړی چی په افغانستان کی دپاکستانیانو په رابطه دافغانستان خلکو بی تفاوتی کړی داچی پاکستانی ورونه زموږ دداخلی حالاتو نه ښه خبرنه دی، هلته هم د غسی سیاسی احزاب دی جهتونه دی اودښمنی دی. په داسی وخت کی دیوه بهرنی سړی تگ ته هم حالت خطرناک دی څوک یی نشی سمبالولی موږ له دی ویری چی نه ویل کیږی داد ښمنی پاکستان ته را انتقال شی اوپاکستانی ملت په دی جذبه کی راشی چی موږ دلته ډیرزیات مهاجرین پراته یو اوددوی محدود شمیر خلک افغانستان ته لاړل اوله دی سرنوشت سره مخامخ شول. په خاصه توگه چی هغوی اوس له یوه را غلی جهت سره اسیردی نو موږ له همدغه امله په عاجله توگه دافغانانو یوه غونډه جوړه کړه اوپریکړه وشوه چی یو هیأت دی افغانستان ته لاړ شی هلته چی څینی پاکستانی ورونه له چاسره اسیران دی هغوی دی په صحیح توگه بیرته خپلو کورونو ته راشی ترڅو چی ددی دوو مسلمانو ملتونو ترمنځ وروری دیوی بلی توطئی ښکار نشی.

موږ په لومړی گام کی دجلال آباد دیو شمیر قوماندانانو سره خبری وکړی هغوی دپاکستانی اسیرانو په موجودیت اعتراف وکړ اودایی و منله چی دا اسیران درته سپارو چی بیایی ۵۰ تنه پاکستانی اسیران وروڼه دی هیأت ته وسپارل او موږ هغوی باجوړ کی خپلو کورونو ته ورسول. کله چی کابل ته ولاړو هلته موله استاد ربانی، استاد سیاف، قانونی او فهیم سره موله همدغه امله وکتل هغوی هم وعده وکړه چی موږ به له جبهاتونه خوارهواره پاکستانی اسیران راټول کړو او هغه کسان به چی دامریکا له مداخلی نه وروسته دلته را غلی دی تاسی ته به یی وسپارو اوس زموږ دهیأت لس تنه په کابل کی دی چی دابندیان را ټول او دراوستلو کارئی تنظیم کړی هیله ده چی هغوی به هم خپلو کورونو ته راوستل شی.

س: مزمل صاحب په دی سفر کی مودکابل حالات څه ډول ولیدل؟

ځ: دکابل دحالاتو معلومول هغه هم په دوو ورځو کی مشکل دی. کله می چی دکابل ښار واټونو اوجادوته کتل داسی بریښیدله چی اوس نوی ډیروحشت نه وی شوی لکه هغه وحشت چی په شمالی کی شوی ؤ خودا اوازی وی چی کابل کی یو شمیر کورونه دشپی له خوا تعقیبیږی اوځورول کیږی خو بیا هم دشمال په شان دلته شدید عکس العمل نه دی ښودل شوی.

س: ځینی اړخونه وائی چی شمالی اتحاد بایدکابل ته نه وای داخل شوی تاسی ددوی داخلیدل په ځای اوکه بی ځایه کاربولی؟

ج: کابل ته د شمال داتحاد داخلیدل هم دشرم خبره ده اونه داخلیدل یی هم دشرم وړخبره وه. داچی هغوی څه راز توضیح کړه له نه داخلیدلو څخه یی داخلیدل ښه ؤ په دی معنی که نه وای داخلی شوی ترشایی امریکائیانو داکار ښه نه ؤ تنظیم کړی کیدای شی چی په دی کی ډیری پراخی فاجعی رامنځ ته شوی وای دادهغوی خبره ده چی دقدرت خالیگاه ډکه کړی دوی وائی چی په کابل کی پیښی شوی حوادث هم هغه وخت وشول چی موږ لا کابل ته نه ؤ ننو تلی اوطالبان کډه شوی وو په دغه وخت کی چور اوچپاول شویدی نوځکه موږ مخکینیو ژمنو ته ونه کتل داځکه چی دترسره شویو فجایعو مسوولیت به زموږ په غاړه وای.

س: امریکا ئیانو ولی داکار ښه نه ؤ ترتیب کړی اياهغوی قصداً همدا غوښتل اوکه دافغانستان په هکله یی پوره معلومات نه درلودل؟

ج: دهر زورور یو خصوصیت وی او امریکا اوس دزوروړو په رأس کی ده ، هغه چی اوس یو کارغواړی هماغسی یی غواړی اوکوی یی هم. دااوس چی دوی پرافغانانو بمبارد کوی اوماشومانو ته یی بیا دمرستی له پاره ډالر تپولوی یاورته بیسکټ رالیږی فکر کوی چی دوی به خپله خالیگاه ډکه کړی په داسی حال کی چی دایوه بی ځایه هڅه ده. زموږ خلک امریکا ئیان پیژنی، نو فکر کوم چی امریکا ئیان په افغانستان کی له روسانو نه هم په بدتر حالت کی دی، داچی موږ دپردیو په رابطه دعکس العمل اوکرکو اخیرنی ستړی مرحله کی واقع یو نوامریکا ئیان له دی نه مطمئن دی چی افغانان اوس ددوی په رابطه درست عکس العمل نشی ښودلی. افغانان دخپلو داخلی عکس العملونو له امله ډیرستړی شول، دهمدی ستړی فرصت نه په استفادی سره امریکا یقیناً له روسی نه ډیر بدتره عملیات په افغانستان کی اجراکړل په ډیره لږه موده کی یی دروسانو لس برابره خطرناک عملیات وکړل په جلال اباد ، کندهار اوکندزکی یی پوره کلی نسکور کړل داچی دوی کومه عملیه شروع کړی اصلاً په هغې کی امریکا ئیانو ته افغانستان مطرح نه دی هغوی ته خپل دتجارتی، نړیوال مرکز قربانیان سترگو ته دریږی اودنړول شوی پنتاگون غرور، نوځکه دغه پوځی عملیات کوی، له هغوی نه داتوقع هم نه ده په کار چی ولی دیوه جهانی قدرت په حیث یی ددی حادثی تندی څپی رااخستی دی.

امریکا ئیان همدغسی تاریخ هم لری ویتنام ته هم همداسی په عجله ننو تل خو په افغانستان کی یی طالع دادی چی بین المللی شرایط تعویض شویدی اوزموږ قوم ستړی دی او دوی دغه دواړه حالتونه درک کوی نوځکه دډیرو شیانو دپیښیدو پروا نه کوی.

س: داچی په کابل کی واکمن کړای شوی کسان کله ځان ته د شمال اتحاد وائی اوکله هم متحده جبهه تاسی څه فکر کوی چی ددوی عمل به افغانستان شموله وی که یواځی په شمال پوری به محدود وی؟

ج: دشمال اتحاد خومخکی ځان ته متحده جبهه ویلی دجنوب هم څه مختصری نمونی په کی وی مثلاً: حاجی صاحب قدیر، استاد سیاف، سباوون صاحب اوڅه نور دغه راز کسان په کی شامل وو. خو اصلاً دشمال جبهه پر کابل باندی دمسلط جهت استداد دی چی پرکابل دطالبانو ترتسلط وروسته یی دفاعی حالت ونیوه او بالاخره دامریکا دبمبارد په نتیجه کی ددوی دفاعی حالت پر هجومی حالت عوض شو او کابل ته راورسیدل داهماغه زوړ شکل دی چی په څه ډول له کابل نه و وتل او په پخوانی شکل بیرته کابل ته را غی.

س: داچی تاسی دهغوی له مشرانو سره اوس کتلی ایا هغوی به بیا دپخوا په څیر دقدرت له انحصار نه کاروانخلی؟

ځ : دهغوی ټولو خبره داوه چی داځل موږ تیره اشتباه نه تکراروو اودقدرت دانتقال له پاره بلکل چمتو یو که څه هم یو شمیر یی دانتقال له پاره داله احتیاط نه ډکه خبره کوله چی دقدرت انتقال هرچاته نه کوو داانتقال باید یوی داسی جرگی ته چی افغان شموله، نژاد شموله اوولایت شموله وی ترسره شی داځکه چی ملت وپوهیږی موږ قدرت همداسی جرگی ته انتقال کړی دی. داد دوی خبری وی زه هم فکر کوم چی تیرو ترخو تجربو به دوی دی کارته اماده کړی وی.

س: اوس خودادی امریکا ئیان هم ورسره په پوځی عملیاتو کی مرسته کوی، روسانو هم ورته مرستی ورکړی اوبیا افغانستان ته را غلی دی ایا دشمال اتحاد داحق لری چی دافغانستان له تاریخی دښمنانو سره دوستی وکړی اوهغوی دی دلته سفارت هم خلاص کړی؟

ځ: زه پخپله متأسفانه په دی برخه کی دټولو افغانانو خلاف روحیه لرم چی دروس او کمونیزم له ماتی وروسته ځما کرکه دافغانی کمونیستانو اوروسانو په رابطه کمه ده. په خاص ډول دامریکا داوسنی ناځاپه هجوم په رابطه چی ورسره دانگریزانو پوځ هم پیاده کیږی په داسی شرایطو کی چی امریکا بی اجازی دافغانستان دخلکو دارادی خلاف بی دعوته افغانستان ته راغی نو روسانو هم اوس بیا همداسی عکس العمل ونښود اوس دامریکا ئی پوځونو دایستلو په خاطر همدغه حالت ښه دی چی افغانان مجبور شی چی دپردیو په مقابل کی عکس العمل وښئی . داچی دلته امریکا ئی پاتی کیږی او موږ ته دیو نظام غوښتونکی په حیث راځی نو فکر کوم چی روسان ځان ته دوه برابره حق ورکوی. روسان چی مخکی را غلی وو دهمدی امریکا غوندی را غلی ؤ اواوس به په افغانستان کی دروسانو موجودیت دامریکا دموجودیت خبره رالنډه کړی.روسانو هم فکر کړی چی موږ په دی افغانستان کی دومره برباد شویو اځی امریکا ئیانو ته یی نه پریږدو.

س: ډیر افغانان وائی چی لومړی باید روسانو موږ ته دتیری جگړی غرامت اوتاوان راکړی وای بیا به یو منتخب حکومت پالوئی جرگی له هغوسره دبیا اړیکو دټینگولو کار کړی وای ایا داکار دشمال اتحاد قانونی صلاحیت بللی شی؟

ځ: واقعاً دجنگ غرامت خو په افغانستان کی هغو ډلو چی دنجیب دحکومت له سقوط نه وروسته یی قدرت ونیوه هغوی باید اول همدا غوښتنه کړی وای اوس هم دامطالبه زموږ دملت حق دی کله چی یو مرکزی حکومت منځ ته راشی داکار کولی شی. هغه چاچی (افغانی ډلو) چی هم په افغانستان کی دبیگناه وگړو پرسردظلم میچن چلولی ترهغه چی محاکمه نشی افغانستان نه جوړیږی زه له همدغه امله دیو بی رحمه اوغوڅ مجازات غوښتونکی یم.

داچی امریکا هم په دی برخه کی راشریکه شوی فکر کوم چی امریکائی بیسکټ اودهغوی دماشومانو یو ډالر به دامریکا دجنایاتو دبښنی وړنشی.

دوهم ځل چی دامطالبه لرودا باید دامریکا ، روس اوذلیلو انگریزی دښمن پوځونوسره یی هم بایدولرو چی دوی یو ځل بیا زموږ په خاوره کی را پیاده شویدی.

س:همدا اوس افغانستان یو ځل بیا په قوماندان سالاریو یاسمتی شوراگانو ویشل شوی تاسی دغه اداری ویش په ځای کاربولی اوکه یی مخه باید ونیول شی؟

ځ: زموږ یو شمیر قوماندانان ورونه چی دادوهم ځل راتگ می پری لوریږی هم نه ، کاشکی چی داځل دوی پخپلو کورونو کی پاتی شوی وای په هرصورت اوس چی راغلی دوه اساسی کارونه ددوی دحیثیت ساتنه کولی شی.اول داچی ژر ترژره دی خپل منځی رابطه ونیسی اوځانونه دی پریوه ملی قوت باندی بدل کړی اوواحد دریځ دی ولری.

دوهم داچی دوی دی دراتلونکی مؤقت نظام پوری ځانونه داسی ثابت کړی

«۸مخ»

افغانها درپای ۰۰۰

اند افزود

که بالاخره مجاهدین افغان پس از بیست وسه سال جنگ به قهر مانان صلح مبدل شدند.

طبق یک خبردیگر اداره متشکل از سی عضو تحت قیادت شاغلی حامدکرزی که پنج معاون شامل خانم سیماثمر ، محمد قاسم فهیم، حاجی محمد محقق، شاکر کارگر وهدایت امین ارسلا ایشانرا یاری می رسانند وسه خانم درترکیب ان شامل ساخته شده که روز بیست دوم ماه دسامبر قدرت را درکابل بدست خواهند گرفت.

در این اداره هژده کرسی به جبهه متحد تعلق گرفته که پست های مهم وزارت های دفاع ملی، خارجه و داخله شامل آنست، پروسه روم علاوه برریاست این اداره بیشتر به مقامات تکنوکراتیک دست یافته اند، یک گزارش دیگر حاکی از آنست باوجود اینکه درترکیب اداره مؤقت یازده تن از اقوام پشتون ، هشت تن از تاجک ها پنج تن از اقوام هزاره سه تن ازازبکان افغانستان اشتراک دارند، عده یی از اشتراک کننده گان افغانی کنفرانس باتقسیم کرسی ها وانتخاب افراد موافقت کاملی نداشته اند،چنانچه رهبری حزب وحدت وجنبش ملی اسلامی شمال از سهم گیری واشتراک مستقیم درکابینه اباخواهند ورزید.

یک گزارش واصله از کندهار خبر میدهد که ازاثر بمباردمان طیارات بی ۵۲ امریکا بی شاغلی حامد کرزی جراحات خفیفی برداشته اند دراین بمباردمان سه تن از عساکر امریکا یی وپنج تن از قوای مربوط به شاغلی کرزی جان های شانرا ازدست داده وعده دیگر مجروح گردیده اند.

درترکیب کابینه شاغلی کرزی این اشخاص شامل اند:

خانم سیماثمر معاون ومسوول وزارت امور زنان ، محمد قاسم فهیم معاون ومسوول وزارت دفاع ، حاجی محمد محقق معاون ومسوول وزارت پلان ،شاکر کارگر معاون و مسوول وزارت آب وبرق ، هدایت امین ارسلا معاون ومسوول وزارت مالیه ، سهیلا صدیق مسوول وزارت صحت عامه، داکتر عبدالله مسوول وزارت خارجه ، یونس قانونی مسوول وزارت داخله، مصطفی کاظمی مسوول وزارت تجارت عالم رزم مسوول وزارت معادن وصنایع، محمد عارف نورزی مسوول وزارت صنایع خفیفه ، محمد رهین مخدوم مسوول وزارت اطلاعات وکلتور ، میرویس صادق مسوول وزارت کار وامور اجتماعی، محمد حنیف بلخی مسوول وزارت حج واوقاف عبداله ودرک مسوول وزارت شهد و معلولین ، داکتر شریف فایز مسوول وزارت تحصیلات عالی، انجنیر عبدالرحیم مسوول وزارت مخابرات، حاجی عبدالقدیر مسوول وزارت شهر سازی و مسکن، سلطان حمید حامد مسوول وزارت ترانسپورت ، سید حسین انوری مسوول وزارت زراعت ، عبدالرحیم کریمی مسوول وزارت عدلیه ،عبدالمالک انور مسوول وزارت انکشاف دهات ، عنایت الله ناظری مسوول وزارت عودت کننده گان ومهاجرین وحاجی منگل حسین مسوول وزارت ابرسانی . قابل تذکر است که یکتعداد پست ها ی دیگر هم به جناح شامل کنفرانس اختصاص یافته که تااکنون به معرفی مسوولین آن اقدام نشده است.

موزغواړو ۰۰۰

سبدفضل الله وحیدی ددی سیمینار دجوړیدو دهدف په هیواد ارادی خبریال ته وویل: موږغواړو په را تلونکی کی په هیواد کی دسولی دتأمین اوبیا رغاونه کی اغیز منه ونډه واخلو اودخپلو هیوادوالو پام په ښه توگه دټولنی سوکالی او نیکمرغی ته راوگرځوو.

رئیس بلدیه شهرهرات...

دراین انتخابات محض ۷۱٤ نفر منحیث نماینده گان ناحیه های جداگانه شهرهرات موجود وحق آنرا داشتند تا رای بدهند که از آن جمله ٦۲۸ نفر به منظور اجرای پروسه انتخابات درمسجد جامع وتاریخی هرات حضور بهم رسانیدند تا در مورد ۸ نفر کاندید، به رای گیری بپردازند محمد رفیق مجددی که ٤۷ ساله می باشد ٤۲۷ رای ورقیب انتخاباتی وی عبدالله خوزنی محض ۵۰ رای را کسب کردند.

محمد رفیق مجددی درحالیکه خونسردی خود را حفظ نموده بود به خبرنگاران گفت که فکر می کنم درمقابل چلینج بزرگی قرار دارم چه فقر وناداری ، بیکاری واستعمال مواد مخدره از یک سو واجتماع تعداد زیادی از فامیل های بیجاشده از اطراف واکناف کشور درنزدیکی شهر درکمپ ها وعدم اعتماد ویقین به تعقیب خروج طالبان ازهرات ، ما را تهدید می کند واکثر مردم دراثر خشک سالی خانه وکاشانهٔ آبائی خود را ترک می گویند : من آرزو مندم برای مردم خود که سالیان درازی پیهم دچار مشکلات وانواع ناملایمات بوده اند مصدرخدماتی شوم جنگ های طولانی هرچیز ماراویران واز ما گرفته است.وبه کمک های بشر خواهانه بین المللی نیاز مندی زیادی داریم، تا دربازسازی مناطق مادست بکار شوند.

ما ازجنگ به سیر آمده ایم باحکومت نظامیان وتفنگداران به جان رسیده ایم وآرزو مندیم حکومتی تشکیل گردد که مردم عامه درآن اثر رسوخی داشته باشند من تاحد زیادی امیدوار هستم، روزی فرارسد که این نوع انتخابات برای تعیین حکام آیندهٔ ما نیز برقرار شود نامبرده درسال ۱۹۸۰ منحیث یک دپلومات افغان در ایران وبعداً دردوران طالبان درشورای شهر هرات اجرای وظیفه می کرد اسماعیل خان والی موجودهٔ هرات این انتخابات را درهفتهٔ گذشته قبولدارشده و یک کمیتهٔ ۲۰ نفری که از بزرگان هرات تشکیل یافته ود ، برجریان این انتخابات نظارت می کردند.

دننگرهار دستروقومونو...

دی مشرانو ویلی چی: موږ نور له جګړې نه ستړي شوي یو دجګړې له وسایلو اوافرادو څخه موکرکه راځي نوځکه غواړو چې ژرترژره دې لویه جرګه جوړه اودهغې پریکړې دې په جدي توګه عملي کړای شي، موږ دځان په ګډون دټولو هیوادوالو حقوق په عمل کې پلي کول غواړو.

چشم دیدی...

ظاهراً غرب کابل، مانند سایرنقاط شهر، بکلی آرام وخاموش است وصدای فیر ودرگیری گروه های متخاصم وکش وکوک مردم درآن بمشاهده نمی رسد درعرض راه علاوه برتخریبات گیج کنندهٔ منازل مسکونی مردم در کنار جاده های عمومی ، تقریباً بسیاری از دفاتر رسمی، شفاخانه ها ، مکاتب ومدارس دینی نیز به ویرانه های متروکی مبدل گردیده اند.

درامتداد این سرک برخلاف گذشته افراد مسلح کمتری به چشم می خورند ومردم روال عادی زنده گی خود را باامید واری برآینده وقیافه های بشاش ادامه می دهند حاجی دین محمد یکتن از موسفیدان ناحیه غرب کابل می گوید:

« این افراد مسلح اند که زنده گی ارام وعادی مردم ونظم وامنیت شهر را برهم می زنند نه خود مردم»

اهالی این ساحات اکثراً ازتهیدست ترین سکنه های شهر کابل اند که اینک بافرارسیدن ایام سرد زمستان، درفقدان موجودیت کار ،عاید ،برق واب نوشیدنی صحی ووسایل تسخین مورد نیاز، دردشوارترین وضیعتی دست وپنجه نرم می کنند.

وقتی درچنین شرایطی از دکانداران بازار های مزدحم کارته سه و کوته سنگی قیمت اجناس را پرسیدم، مانند سایر نقاط شهر قیمت فی قرص نان دوصد گرامه بیست هزار ، قیمت فی کیلو گوشت بزوگوسفند ۷۰-٦٥هزار ، قیمت فی کیلو روغن (٦٠ ٥) هزار ، قیمت فی سیر چوب (۳۰-۲۰) هزار وقیمت فی گیلن تیل دیزل وخاک بین (۱٤۰-۱۲۰) هزار افغانی بود که خرید اینهمه اقلام بسیار مهم وحیاتی برای خانواده های که جز فروش اموال منزل وتن دهی به شاقه ترین کارهای طاقت فرسا جسمی آنهم دربدل مزد بسیارناچیزی عایدی ندارند، ناممکن می نماید.

از توزیع ملیارد ها وملیاردها دالر به اصطلاح کمکهای بشر خواهانه ایکه درمطبوعات ملی وبین المللی از آن نام برده می شود ،برای این مستحقین جنگ زده خبرواثری نیست ازمراکزمهمی رسمی و نظامی درحول وحوش غرب کابل که بگذاریم مراکز مهم تعلیمی آموزشی مانند پوهنتون کابل، دارالمعلمین عالی ابن سینا ، حربی پوهنځی ،لیسه های عالی حبیبیه، غازی ،محمود طرزی، سوریا ورابعه بلخی ،انستیتیوت تخنیکم کابل، مکتب تخنیک و دهها مکتب ومدرسه ابتدایی و عالی دیگر وهمچنان مراکز مهم تجارتی وتولیدی مانند فابریکه جنگلک کابل، فابریکه گوگرد سازی، فابریکه نوشابه سازی کوکاکولا وفانتا، فابریکه حجاری افغان ترکانی ، دیپوی ادویهٔ کارته ٤ ودهها مراکز مهم تولیدی دیگر که اکنون ویرانه های بیش نبوده و مشاهده آن مورا براندام انسان راست میکند.

مینار یادگاری دهمزنگ، وعمارت زیبای ریاست ترافیک کابل، سینماهای بریکوت وکوته سنگی که اکنون به ویرانه های نیمه مخروب مبدل گردیده، شاهد گویایی از خشم وخشونت به دستهای گنهکار گروههای رقیب درین ساحه از شهر کابل است.

باغ وحش کابل که زمانی مملو از پرنده گان وحیوانات اهلی ووحشی گوناگونی بود اکنون قفسه های آن جز یک زندانی برای چند جفت بوم وچند جوره خرس وشادی ومار ویک شیری بیش نیست.

بارها خوراک روزمره این شیروحیوانات درندهٔ دیگر این قفسه ها ، اسیران جنگی ومردمان عام وبیگناهی بوده که گروههای حاکم برباغ وحش دردوران درگیری های تنظیمی به عنوان پښتون ،هزاره ، تاجک وازبک به جبروزور از کوچه وبازارها جمع اوری نموده وبرقفسه های این حیوانات می انداختند.

ودرحال حاضر با توجه به مشکلات اهالی غرب کابل باید گفت که مسکو نین این ساحه ازخدمات اب نوشیدنی صحی ، برقی، وتلفون بکلی محروم اند زیرا شبکه های مذکور درجریان جنگ های بین التنظیمی شدیداً خساره مند گردیده ومقامات حاکم طی این دههٔ جنگ ،بیشتر مصروف کشتار هموطنان وویرانگری کشورشان بوره اند تابه کار مقدس احیا واعمار مجدد کشور.

گردنهٔ گذرگاه کابل، سرد ترین ساحه از ساحات کابل است که به علت وزش بادهای سرد ومتداوم موسمی نزد اهالی شهر به« کوره گاه» معروف است وقسمت های شرقی وغربی شهر را باهم پیوند میدهد.

این تنگی مدت طولانی بی درخط اول جنگ های تنظیمی قرار داشته وتعداد زیادی از اهالی بیدفاع غرب کابل حین عبور ازین مسیر به شهادت رسیده و نزد شهریان کابل به« دالان مرگ » شهرت یافته است.

درجناح شرقی کوهپایه های آسمایی وشیردروازه مراکز وبناهای معروف تاریخی ،مذهبی وکلتوری وجود دارد وقصص، روایات وحکایات فراوانی درمورد هریک ازین آثار وآبدات تاریخی وجود دارد که ازجمله می توان از دیوار های کهن وتاریخی زنبورک شاه ورتبیل شاه برفراز قلل کوه شیردروازه ، درمثال (عبادتگاه هندوان) دردامنه کوه معروف به کوه کافر دختر جایگاه معبد قدیمی هندوان درعصر قبل ازاسلام که تقریباً در دوصد متری شمال زیارت شاه دوشمشیره علیه رحمه موقعیت دارد نام برد.

درمیان این اماکن مذهبی باکلکین ها ودروازه شکسته شده زیارت مردان غیب علیه الرحمه بیش ازهمه جلب توجه میکند که تقریباً دردوکیلو متری دامنه کوه خواجه صفا عقب باغی معروف به باغ قاضی شهاب موقعیت دارد.

اهالی محل می گفتند که سال پاره اطراف این زیارت توسط لاری هایی بار بری متعدد (ده سلند) برای سه شبانه روز مسلسل درمحاصره عده ای ازافراد مسلح طالبان قرار گرفته وافراد مذکور به هیچکسی اجازه نمیدادند تابه این ساحه نزدیک شوند.

وتقریباً طی سه شب وروز کاوش های زیر زمینی وصدای بولدوزر ها بصورت مسلسل به گوش می رسید وبعد از گذشت سه شبانه روز زیارت از محاصره افراد مسلح ولاری ها تخلیه گردید واز آن تاریخ به بعد دروکلکین این زیارت بصورت شکسته باقی مانده است. حاجی محمد اکبر وحاجی بسم الله خان دوتن از موسفیدان محل می گویند. « ظلم انسان بالای انسان حدومرزی ندارد ، طالبان به این زیارت وعبادتگاههای مقدس افغانها ی مسلمان، بی حرمتی کردند واکنون از نفرین همین بزرگان است که طالبان نیست ونابود می شوند چرا که خدا دیرگیروسخت گیر است.

آنها افزودند هرگروهی که بازهم به قتل وقتال وغارت ادامه دهد از طالبان بدتر شرمنده خدا ورسول می شوند چرا که بزرگان ما گفته اند:

« نمک وسوده الماس شبیه اند بهم
به غلط هر که خورد جان به سلامت نبرد »

عروج وسقوط طالبان...

وقعی نمی گذاشت.

افراطیت دینی ومذهبی رژیم ولیدرشپ طالبان را به کلی منزوی ساخت حتی درمیان حکومت های اسلامی وجود کمپ های تربیوی نظامی درمناطق تحت کنترول طالبان که تعداد ملیشه ها را از آنجا برای کمک به جریانات اسلامی می فرستاد ، مایه تشویش همسایگان افغانستان بود . طالبان اکثراین ملیشه های بنیادگرا وافراطی مذهبی را به اسیا ی مرکزی وچین می فرستادند تا به گروه های اسلامی آن ممالک کمک کنند.

حمایت طالبان از یک تعداد مجرمین واوباش های پاکستانی فضای سیاسی بین انها وپاکستانرا تیره وتارساخت، عدم احترام طالبان به فیصله های شورای امنیت م، م درمورد تسلیم اسامه بن لادن باعث بوجود آمدن تعزیرات گردید وهمین ناشنوی های شان سبب شد تا عربستان سعودی روابط خود را با انها قطع کند.

بعداً واقعات ۱۱ سپتمبر رخ داد و دنیا را شب درمیان به کلی تغییر داد وهمه دنیا برای از بین بردن تروریزم جهانی باهم یکجا شد.امریکا بلافاصله اسامه بن لادن را سبب اصلی اعمال تروریستی برضد تأسیسات سیاسی، تجارتی ونظامی خود درامریکا وافریقا قلمداد کرد.

وبهانه ای بدست آورد وبرافغانستان حملهٔ هوائی کرد چه طالبان به متهم درجه یک این اعمال تروریستی پناه داده بودند.

پاکستان به ملا محمد عمر باری چند پیشنهاد کرد تا بن لادن را از افغانستان خارج کنند ورنه مورد حملات شدید امریکا واقع خواهند شدامّا این وصایا ومشوره ها رد شود در پایان اردوی اسلامی از هم پاشید وبه خوشی خود تسلیم شدند... اینک پاکستان باید با هر حکومتی که درافغانستان رویکار می شود معامله کند. پاکستان باید حالا مناسبات خودرابا ایران مورد تجدید نظر قرار دهد ویا ایران طرح دوستی بریزد ، با روس ها ویا اتحاد شمال نزدیک شود کوشش های آشتی آمیز بین برهان الدین ربانی وپاکستان قدم مثبتی ارزیابی می گردد. فن سیاست انست .

تا دوستان زیاد شوند نه دشمنان.

جای شک نیست که اگر طالبان فیصله های م، م را درمورد اسامه وسایر مسایل متقبل می شد از بین نمی رفتند چه اسامه می توانست دریک کشور بیطرف از اتهامات جرمی علیه خود دفاع کند انکار مطلق طالبان از آنچه گفته آمدیم بالاخره سبب سقوط طالبان شد.

عروج وسقوط ناگهانی طالبان ومعضله ایکه بوجود آورده بودند نیاز مند آنست تا باگوش وچشم باز مورد مطالعه قرار گیرد ومقامات ملی ممالک اسلامی در آن مورد بذل توجه لازمی کنند واز تکرار خطا ها بیکه طالبان افغانستان منحیث یک گروه مذهبی مرتکب آن شدند ، جداً بپرهیزند.

بقیه سرمقاله ... وامروزنمی توانیم عمل نامه های این امتحانات ناکام وعمومی را ازدیگران پنهان داریم واین واقعیت خواهی نخواهی نه تنهادر حال واینده ما تأثیر بسزائی دارد ، بلکه معیار ومحکمی بدست هریک از ما داده تا هنگام قضاوت های اجتماعی وملی خود ازان مستفید گردیم؛ مثلاً به خوبی تشخیص دهیم، یا بدانیم که چه کسی دارای عنصر مضبوط بی غش ویا عنصر سبت باغش است ،یادل چه کسانی پرمکر وقلب چه کسانی بی مکروجان چه کسانی با ،فتن ووجود چه کسانی بی فتن است وقس علی هذا.

ناگفته نماند که سیاست درست آنست که مردم کشور درچنین موارد ملی نباید درتاریکی قرارداده شوند.به فحوای این مقوله که (شنیده کی بود مانند دیده) اکثر مردم بینوای ما دراین دبستان پراز قیل وقال اجتماعی ومیهن خود (به اصطلاح معلمین واستادان کرام) همه چیز ها را بصورت سمعی وبصری فراگرفته وبه دقت به ذهن سپرده زیر کرده اند، لذا برخوردان وبزرگان ، پیروجوان وزن ومرد مایان است تادر پهلوی هرادعای حاکمیت مآبانه ای که داریم ، باید خواه ناخواه، متقبل مسؤلیت های ملی ومیهنی چه سبک باشد ویا سنیگین، نیز شویم ، باید وسعت نظر پیدا کنیم، ازعاقبت اندیشی کار گیریم ، از کوته نظری دوری جوئیم، دور نظر ودور نگر گردیم ودر مواذات امور دیگر ، درحد توان وقدرت خویش ، در مقابل آمد، آمد این عساکر بیگانه جزاز طریق سازمان جهانی م.م ، صدا بلند کنیم ویا مردم خود به مشوره بنشینیم وبه کسانیکه با بیگانگان به اصطلاح سرقبول جنبانیده اند احتجاج کنیم. حال آنکه چنانچه دیده می شود تااینندم برعکس آنچه گفته شد عمل کرده ایم واز هیچ گونه دانش وبینش وسیع تر وهمچنان ایثار واز خود گذری کارنگرفته ایم.

عجبا که تعدادی ازبزرگان وهموطنان خود ساخته ما فرسنگ ها دور از وطن در دیار بیگانه دور هم گرد آورده شده اند تا برای کسب قدرت به سروپای همدگر زنند ودرهیاهوی این گیرو دار از وطن خود یا بکلی بیخبر باشند ویا از تجاهل کار گیرند ودر مورد آمد وشد طیارات بیگانه، آنهم بیگانهٔ معلوم الحال وتجربه شده وپیاده کردن قشون خود چه تعداد آن کم باشد وچه زیاد مهرسکوت برلب زنند.

عجب تر اینکه طبق اخبار تائید شده توسط منابع رسمی امریکا کولن پاول بصورت عاجل وتیلفونی درمورد ورود پنهانی عساکر روس بکابل پروتست می کند اما بزرگان ما ، یابه عبارت دیگر مدعیان حکومت برکابل درآلمان وکابل هردو مهرخموشی برلب زده وآهی نمی کشند.

فکر می شود که اگراحتمالاً بین امریکا وروسیه که هردو نه تنها از زمرهٔ اعضای فارمول ناقص ومنسوخ ٦+۲ بوده بلکه از زمرهٔ بالا بینان آن هستند توافقات پنهانی صورت گرفته باشد از احتجاج وچاره جوئی کارنمی گیرند وچنانچه درعنوان این عرایض متذکر شدیم، تماشا می کنند، دم نه زده واین معرکه را برهم نمی زنند.

مورخین درمورد این مقولهٔ تاریخی اتفاق نظر دارند که: «افغانستان که هیچ کسی نمی تواند آنرا بلبعد».

عساکر روسیه بعد از یک دهه باز به افغانستان برمیگردد

این طیارات ، چانچه دیده شده است، ، درمیدان هوائی بگرام که در ۵۰ کیلومتری کابل قرار دارد به زمین نشستند. هنگامیکه کاروان وسایل نقلیه عسکری بدون هرگونه مارک ونشان درکابل کنارسرک توقف داده شده بودند ، یکی از درایوران خطاب به مردم گفت که: ما روس ها هستیم.

این کاروان مشمول ۹ عراده لاری عسکری مجهز به تریلیر بود که عادتاً برای حمل ونقل عساکر وکارگو مورد استفاده قرار می گیرند .سه عراده تانکرهای تیل هم در این کاروان وجود داشت ، یکی از این لاری ها توام بایک جیپ دارای مارک ونشان صلیب سرخ بودند .

بعضی از خبرگذاری های دیگر نوشتند که تعدادی از عساکر . شوروی بنام متخصصین هم درمیدان هوائی بگرام پیاده شده وتحت حفاظت وچتر یک تعداد از تفنگ داران افغان ،محفوظاً به کابل وارد شدند.

شمال اتحاد تیرو ترخو تجربو قدرت له انحصاره تیر کړ

چی دوی هغه مخکینی کسان نه دی، دوی دی په ځان کی خلکو ته یو ژور بدلون وښیئ که ددوی ترمنځ وحدت نه وی دهیواد سیمی سره بیلی وی او په سلوک کی یی تغییر نه وی راغلی بیا هماغه پیکپی اوداتسنی وی، هغه ببر سری کسان وی اوپه ښارونو اوکوڅو کی یی گڼه گونه وی نوفکر کوم چی، داځل به دوی په ډیر بدرنگه شکل نه پاکستان کی بلکه په خپل کورکی کینول شی.

س: مزمل صاحب دافغانستان دروان حالت اصلی مسوولیت دچاپه غاړه دی ستاسی نظر څه دی چی ولی داسی وشول اوکیږی هم؟

ع: په کورنی سطح څما په نظر دوه علتونه دی اول داچی زموږ په خلکو کی دجهاد په دوران کی یو مقبول قیادت چی وکولی شی دافغانستان خلک متحد کړی البته داستعداد له پلوه داقتدار په مرحله کی دی ځای ته راونه رسید. ټول یاسمتی یاسیاسی یاحزبی لیډران وو داسی څوک په کی پیدا نشول چی دهغه شخصیت یاکرکتر وکولی شی چی دانور مشران احتوا کړی اوهغه دټولو له پاره مورد اعتماد وګرځی.
رهبرانو کی داسی یو هنرمند څوک نه ؤ. بله داچی په رهبرانو کی دومره بزرگواری نه وه چی هغه پخپل ردیف کی له واقع خلکو نه یو دضرورت په وخت مخکی کړی هغه هم دملی وحدت په هیله خیروکه دسوئی له پلوه له دوی څخه اوچت هم نه ؤ لږیی باید صبر کړی وای اوهغه ته یی باید چانس ورکړی وای.

دوهم علت دادی چی په شرقی هیوادونو اوافغانستان کی مصیبت دادی چی دشخصیتونو په هکله دباور اواعتماد خبره یوی خطرناکی مرحلی ته رسیږی هغه خلک چی ددی رهبرانو ترشا وه هغوی داغلطی وکړه چی خپل رهبران یی پر موقع پریښودل اودبدیل زعیم له پاره یی پخپل وخت اقدام ونکړ دا اوس هم لکه دهغی ځوانی کونډی په څیر چی« دلیوره په تمه له میړه وتنه» خلک منتظر دی له هماغو زرو احزابو سره یوه مریضه رابطه لری ترهغه چی خلک یو قیادت ونه ټاکی اوراپورته نشی نو څنگه به قیادت جوړ شی په قیادت کی خوداسی څوک نشته چی خلک راټول کړی خو خلک باید دابزرگواری وکړی چی پر یوه عادی سړی راټول شی اودا ملت له دی بحران نه وباسی.

س: مزمل صاحب غواړم دبن دجرگی دکار او ترکیب په اړه ستاسی نظر ویوښتم؟

ع: دبن غونډه ډیره بدچانسه جلسه ده که د اجلسه دامریکی له حملی نه مخکی په همدی عدد جوړه شوی وای واقعاً چی لوی افتخار به ؤ. زه فکر کوم چی دابدچانسی دوی ته پیښه شوه. بله بد چانسی یی په دی کی ده چی که همدی امریکا پسی اخستو طالبانو څخه یادهغوی له پلویانو یو نماینده هیات په کی ناست وای بیا به یی داکمبود پوره ؤ.

زه نه غواړم چی دبن جلسه وټکوم خو غیر له دی نه هم دتحرک کوم امیدنلرو په هغی کی دسولی دری جرگی اومتأسفانه چی یو جنگی جهت هم په کی دی. څما هیله داوه چی له جنگی اړخونو نه پرته دپخوانی پاد شاه محمد ظاهر شاه او نوری دسولی ډلی دافکر وکړی چی دوی دی په داسی حالت کی چی دامریکا بمبارد روان دی دوی دی له یوی بزرگواری نه کار واخلی چی د افغانستان دپاتی خلکو دنماینده گی کمبود پوره کړی. داشمیر دی یی ۴۰- ۶۰ او ۱۰۰ ته لوړ کړی وړاو جامع ترکیب دی ورکړی.

متاسفانه هغه کسان چی دسولی له جرگو هم ورغلی په لویه غلطی کی واقع شول زه ویریږم چی دا بدچانسی پیښبه نشی لکه مخکی به چی جنگی ډلو جلسی کولی قدرت یی انحصار اوه چی داځل دامصلح جهتونه دومره وړی ساتل شوی چی دوی فکر کوی چی دا ورورستنی چانس دی چی دوی ترینه پاتی نشی دابه د دوی له پاره ډیره شرم اوره خبره وی. له یوه پلوه داهیأتونه دخپلو پروسومئل نه دی اوله بلی خواد دوی قراردادونو کی ددی گنجایش نه ؤ چی ددوی محدود نماینده گان دی دیوه جنگی اړخ سره کینی اومخامخ دی یو حکومت جوړ کړی دابه ددوی کمزوری وی اوپه دوه برخو پوری مربوطه ده اول داچی کیدای شی دوی دبین المللی جو،یا په خاصه توگه دامریکا تر فشار لاندی وی چی دوی یوی غلطی خواته رهبری شول اویابه داوی چی ددوی په نفسونو کی به لږ څه کمزوری وی دوی فکر نه کوی چی ملت ددوی کارونه تعقیبوی ،دوی محدود خلک ورغلی اومخامخ حکومت جوړوی. دپینډی غونډه سل کرته تردی ابرو مندانه وه اود پیښبور قراردادهم تردی لوړدی حتی دحل،وعقد شورا او دملا عمر جلسه هم تردی ستره وه خو هغوی یواځی داکمبود درلود چی بین المللی ملاتړیی نه درلود اوامریکا یی ترشانه وه. دوی نه باید چی دامریکا پرملاتړ دومره غټ حساب وکړی امریکا خو بیا موږ ته دازخم نشی جوړولی. دادملت ترمنځ یوزخم پاتی دی دملت یو اکثریت چی هلته یی نماینده گی پاتی ده حاجی عبدالقدیر کیدای شی په همدی رابطه خپل براس ښودلی وی زه یواځی دپښتون خبره نه کوم زه دملت په اړه داوایم یعنی داچی دشمال جبهه چی تراخره جنگیدلی هغه به په کی وی باید نور سیاسی جهتونه هم په کی وی دوی که څه هم اخرنی قبضه پخپل زور هم نه ده کړی هغه یی دامریکا په زورکړی ده، نو په مجموع کی دبن په غونډه کی داکمبودوینم لومړی، داچی جامع نه ده، دوهم: حجم یی ډیر کم دی... دریم: دوی پخپل کمبودونه پوهیږی. څلورم داچی دوی په داسی حال کی جلسه کوی چی په افغانستان کی دامریکا پوځی عملیات روان دی. دوی باید یوه نیمه میاشت وخت ورکړی وای اوجلسه یی باید کړی وای اوله امریکا نه یی دخپلو پوځی عملیاتو ددرولو غوښتنه کړی وای. کله چی جرگه دایریږی اودحکومت جوړولو فیصله کوی نوباید په هیواد کی یی بمبارد نه وی روان. ددوی سیاسی جو دامریکا پوځی قوت متأثر کړی نو په داسی یو حالت کی به دافغانی تاریخی درنی جرگی حیثیت څه وی. څما دبن دجلسی په برخه والو دانه لوریږی چی ۵۰ کاله بعد هم څوک پری داسی خبری ونکړی لکه زه یی چی همدا اوس کوم.

دوی ته په کارؤ چی غیر له دی غړیو نه یی نور شخصیتونه لکه صمد حامد چی څما په فکر دهغه وزن له ستار سیرت پرته له دغو هریو برخه وال نه اوچت دی، تل ښه غږیدلی، عزیز نعیم ددی پاد شاه دکورنی له ټولو نه محترم سړی دی همایون اصف اوهمداسی نور کسان به یی په پیښبور کی، په ایران کی ، په هیواد کی دننه اودشمال په جبهه کی به یی دی جرگی ته نوردرانه غړی رابللی وای داملک خوداسی نه دی چی له بی سړیو دی خو سړیو ته یی څوک موقع نه ورکوی. زه فکر کوم دغه مهمی نیمگړتیاوی دی چی که دغه جلسه فیصله هم وکړی نوزموږ دملت په ضمیر کی به یو کمبود پاتی وی اودهغوی په راتلونکو اجرااتو کی به دازخم ډیر منفی اثرات وښیئ.

س: محترم مزمل صاحب همدانن خبرورکړ شوی چی دبن په غونډه کی دراتلونکی موقت حکومت له پاره څه نومونه وړاندی شوی چی په هغو کی کرزی صاحب ، سیرت صاحب، پرگیلاني اومجددي صاحب شامل دي تاسي څه اټکل کوی په دي حالاتوکي به دوی راتلونکی رهبری وکړای شي؟

ع: زه غواړم چی دوي ټول باید ددی دوری خطراتو ته متوجه وی. دا ډیره خطرناکه مرحله ده په دی مرحله کی دیوی پراخی لویی جرگی فیصلی هم ترسوال لاندی دی دا څلورکسه بیا په دغه ترکیب ښه پوهیږی خو کومه خالیگاه چی مولوی صاحب خالص، مولوی صاحب محمد نبی، انجنیر حکمتیار، استاد سیاف، پیرصاحب گیلانی او صبغت الله مجددی یی ډکولای شی هغه شته. که داهر یو له دغو برخه والو سره په تله کی واچوی که څه هم زه دوی ته هم دیر احترام لرم خو دبن غړی دهغوی دشخصیتونو سلمه برخه نشی پوره کولی داچی دوی په دی درنبت نشی کولی دیوی داسی درنی مرحلی له پاره کافی وی داماته سوال دی چی د هغوی په غیاب کی به داکاربیا څنگه وکړای شی که څه هم دبن غړی به فکر کوی چی داکمبود به امریکا ورته پوره کوی خودا به دهغوی دشخصیت اوافغانیت له پاره ښه خبره نه وی.

دبن وروڼه خپله ځان هم پیژنی اوملت هم پیژنی ښه به داوی چی که زموږ ملت داسی یو ه لویه جرگه جوړه کړی چی همدا څلور کسه انتخاب کړی موږ ټولو ته دمنلو وړ دی، په داسی یوه مغشوشه فضا کی دهغوی دا انتخاب دهغوی دشخصیت په رابطه ځینی سوالونه راپورته کوی چی زموږ پری نه لوریږی چی دهغوی په اړه دی داسوالونه پاتی شی، وخت به هم داوښائی چی داملت په راتلونکی تاریخ کی څه رازیوی توری مرحلی ته ننوځی. هیڅ چاهم دافکر نه کاوه چی له روسانو نه دافغانستان ترازادی وروسته به پر مجاهدینو څوک داسی تور توش راکش کړی چی په دغو ډیرو اولنگوټیو توره کربښه راکش شوه نودسیرت صاحب، کرزی صاحب..... دغه جرأت چی دوی ددا سی یوی جرگی په نماینده گی را دمخه کیږی چی ، آمریکائي اوبین المللی حمائی نازیږی فکر کوم چی دهغوی له پاره به دعظمت اولوئی څه پرینږدی.

س: مزمل صاحب اوس افغانستان ته دسولی دنړیوال پوځ راتلل هم مطرح شوی تاسی څه وایاست چی دالهکری باید راشی که نه؟

ع: زه له دی خبری ډیر شرمیږم اومتأسفانه چی داشرم موږ ته زموږ مجاهد و رهبرانو را پریښود هغه ملت چی امریکا تری ویریده ، هغه ملت چی روس یی پسی واخست، هغه ملت چی ټولی دنیا ته یی نجات ورکړ هغه ملت بالاخره ددی هم نه شو چی ځان سمبال کړی او دخپل امنیت له پاره دی بیرونی پوځونه راوغواړی داچی اوس یی افغانان غواړی هغوی په دی لسو کلونو کی ترخی تجربی لری زه فقط دافغانستان دخلکو داحترام په خاطر له ځواب نه تیریږم.

س: مزمل صاحب نوددغو مسایلو په هغه ستاسی خپلی سپارښتنی اوپیشنهادونه څه دی؟

ع: زه خو خپلو خلکو ته همداوایم چی د اقضیه خو سیاسی اونظامی جهتونو تردی ځایه راورسوله چی نور موږ ته دیودروند ملت په حیث څه نه را پاتی کیږی ، نو هیوادوالو ته وایم که څه هم شرایط ورته عیار نه دی زه فکر کوم چی که دا ناست خلک په دی پوه شی چی قضیه داسی نه حل کیږی نو باید خپل اواز پورته کړی داچی وروسته له مشکلاتو سره مخ کیږو اوکیدای شی چی داهم دمجاهدینو دمخکینی دوری په څیر پای ولری داچی وروسته له مشکلاتو سره مخامخ کیږونوښه خبره داده چی افغانان خپل تفاوتونه پریږدی یو بل ته لاس ورکړی، داځل دی یو ه ملی وسیع جبهه جوړه کړی چی که دبن دجلسی اجراات درست پر مختلل وخت دی ورکړي اوکه نه شو کیدای نو دیو بل دردیدلی پړاو مخه دی دیو ستر ملت په څیر ونیسی. ټول افغانان دی دسیاسی ډلو پلوی پریږدی ودی شرمیږی خپل ملت ته دی لاس ورکړی اوڅه چی یی په خیروی چی داخیر له هری خوا متصوروی دهغه لمنه دی کلکه کړی اونه دی پریږدی چی بیا لس کسه یا پنځه تنه یا دسولی په رأس یادجنگی ډلو رأس کی پر خلکو لوبی وکړی که دوی حاضر وی چی متحد شی څوک پری لوبی نشی کولی نو زه وایم راځی چی خپل منځی توپیرونه پریږدو یقیناً زه ویریږم چی خدای مکړه یوه بله خطرناکه مرحله پیل نشی.

میا آروال – مزمل صاحب ډیره مننه ، کورمو ودان.

مزمل صاحب : له تاسی نه شکریه چی ستاسی له لاری زه خپلی محدودی خبری افغانانو ته ورسوم.والسلام

In this Issue:

1. The Afghan agreements.. Page.1
2. The Russian troops again in Afghanistan Page.1
3. An interview with Mr. Zaman Muzamil… Page.1
4. We are cooperative to Loya-Jarga. Page.1
5. A Talib officer selected in Herat as a.. Page.1
6. Report & eyewitness from Kabul.. Page.1
7. We want our people to be ready … Page.1
8. Getting of Russian troops to Kabul Page.2
9. National a International Unity is… Page.2
10. Another decisions… Page.2
11. Overcoming & eliminating of Taliban. Page.3
12. Did USA get for the Afghans… Page.3
13. If he is alive !!! Page.4
14. The grief of Afghanistan's today.. Page.4
15. Poem versus literature.. Page.5

ERADA
Weekly. Independent publication
Publisher: Afghan Media Resource Center
Founder: Sayed Daud
Chief Editor: Atiqullah Pazhwak
Assistant: Mia Gul Arawal - Editor: Zuhoor Afghan
Add: House#2. Canal Bank Road. U.P.O. Box No.909 University Town, Peshawar, Pakistan.
Tel: (92-91) 41691- Fax: 841785
E-mail: amrc@brain.net.pk
Subscription Rate:
In USA, Europe & Australia 60 US$
Regional Countries 30 US$
Pakistan Rs. 200
US$ A/C: No. 01801406
Bank Al-Falah ltd. 6-B. Islamia Road. Peshawar Cantt.
You can remit your donations to the above account No.

اراده
دمقالوپه انتخاب کی واکمنه ده. هره مقاله دلیکوال دنظر څرگندونه کوی رارسیدلی مقالی بیرته نه ورکول کیږی دکډون کلنی بیه:
په امریکا کی،اروپا او استرالیا کی: ۶۰ امریکایی ډالر.
دسیمی په هیوادونو کی ۳۰ امریکا یی ډالر
په افغانستان کی: ۲۰۰۰۰ افغا نی
په پاکستانی کی: ۲۰۰ کلداری
دشپږمیاشتو لپاره نیمه بیه دپوستی لگښت د اړای په غاړه ده.
دیوی گڼی بیه : ۳ روپی
A/C US$ 01 801406
الفلاح بانک ۶ ب اسلامیه روډ پیښور
دلاس ته راوړلو ځایونه دپیښبور ټول اخبار پلورنځی